

وحتماً ملت نباید زربار قبول این کافر نس بود و در صورت جریه و لزوم رسماً پروتست بجمع دول نمایند دولتین روس و انگلیس لزوم این کافر نس را فقط با یک نکته میتوانند بیان کرد ، که چون در ملت و دولت غالب و مغلوب معلوم نیست و این انقلابات مغل به مافع تجارتی ملس ، در صورتیکه مال و جان رعایای آنها محفوظ است این نکته در عالم سیاست چندان مسموع نیست ، علاوه جمیع دول در تجارت ایران سهیم اند نهایت روس و انگلیس بیشتر درین صورت همه همین حق را توند داشت ، و حال آنکه این سخن را نتوانند دلیل بر ذی حق خود در انعقاد این کافر نس قرار دهند ، زیرا که اینگونه انقلابات در تمام عالم پیش آمده و می آید ، قریب سه سال بدتر از ایران در روسیه بود ، با جایکه مال و جان خارجه هم مأمون بود و اتفاقاً رموز سیاست را عقیده این است که نه تنها قبول چنین کافر نس برای پیشرفت مقاصد مشروطیتین ایران مفید نتواند شد ، بلکه داعی بر سلب استقلال ایران است لذا ملت ما تمام قوت خود باید در رد و عدم قبول آن بایسد و بالمجبور به اقل شرایط ذیل را در آن شرایط بایسد

(۱) کافر نس باید دارای هیچگونه رسمیت باشد فقط دوستانه در مشوره و اصلاح ذاتالبین و برقراری امنیت من غیر رسم بحث نمایند

(۲) انعقاد کافر نس باید در یکی از شهرهای ایران بشود ، و اگر لاد از انعقاد در خارج شوند اسلامبول ، هک - برلن - پاریس و لندن را البته ترجیح بر پترزبرگ دهند ، چه هیچ اقدامی در پترزبرگ جز بضرر مشروطیت ایران نتواند شد

(۳) پروگرام یعنی فهرست مطالبی که در کافر نس موضوع بحث خواهد شد قبل از وقت باید تصفیه و معین شود ، و هیچ عنوانی خارج از آنچه معین شده ، موضوع بحث نشود و هیچ مطالبی که منافی با مواد قانون اساسی ایران است در او نباشد چه اگر ما تسلیم شویم که یک نکته برخلاف قانون اساسی ما موضوع بحث شود گویا بطلان قانون اساسی خود را تسلیم نموده و بواجب التزمی او اقرار کرده ایم ، ولو از جمیع مضار آن صرف نظر شود اهمیت مشروعبیت و وجوب اطاعت همین قانون اساسی موجوده که دو سال است با هزاران خون جگر از رؤسای بزرگ مذهب جعفری حاصل نموده ایم از میان خواهد رفت (۴) دولیکه با ایران معاهد و رابطه سیاسی و تجارتی با ما دارند یعنی نمایندگانش آنها دو دربار ما هستند شرکتشان درین کافر نس اشد لزوم را دارد ، و از این نکته بویج وجه نباید چشم پوشی شود که در حال و

استقبال دخیل به استقلال ایران است (۵) گفتگوی استقراض و سایر موادی که اجلازه وکلای دارالشورای ملی در او لازم است ابدأ نباید موضوع بحث این کافر نس قرار گیرد

(۶) رأی وکلای ملی که در کافر نس شرکت خواهند نمود قبل از آنیکه به تصدیق انجمن ایالتی که امروزه قائم مقام پارلمان ایران است برسد و حضرات آیات الله نجف اشرف که در انفصال پارلمان وکیل مطلق ملت اند امضا کنند نباید ناطق باشد

(۷) چون این موقع خیلی نازک و اهم است و اعظم مبادی پلنیکش باید گفت وکلای که از طرف ملت تعیین می شوند خیلی باید با سیاست و دانا و امین و موثق باشند با اینکه فعلاً نمیتوان گفت که تلگراف روتر درباره کافر نس مذکور تا کی مقرون بصحت است ، ولی چون از اغرض روسیان کاملاً واقفیم ، و نظر بمعااهده انگلیس و اعتراضات سختی که حریت خواهان انگلستان و فرانسه و عثمانی و خود روسیان در تأیید مستبدین ایران بروس نموده و می نمایند و بنا بمجبوریت روس که بحسب مقتضیات وقت میتواند عاتماً هیچگونه مداخلاتی در امور داخله ایران کند در پرده برای انعقاد این کافر نس برخی اظهارات خشک و خالی در همراهی بمشروطیتین نموده و حواحد نمود ولی معناً فرضش حمایت های سری در بقا شاه است ، و یکی از مقاصد مهمه سفارت فوق العاده علاءالملک همین التجا بود .

ما ملت انگلیس را هوا خواه حریت بهشتانیم ، و دولت انگلیس هم استقلال ایرانرا بنا بر مصالح پلنیک خود خواستگار هست و وعده هم نموده و در معااهده با روس تصریح هم کرده است ولی نظر بان عشق مفرط که بانحساد و دوستی روس دارد کمان نمیرود که رای حریت و استقلال ایران دوست تازه و معشوق خود روس را برنجاند ، بطریق خیلی ساده می گوایم که آنچه روسها درین موضوع بانگلیسها تکلیف نمایند ولو برخلاف میل آنها و معااهده شان هم باشد محض خاطر خواهی او قبول خواهند نمود ، پس ملت ایران راست که بالاساله خود منافع و مضار خویش را سنجیده و ادا چشم بجماعه هیچ یک از دول اجنبیه ندوزند ، همبقدر مطمئن باشند که جبراً خارجه در امور داخله شان تصرف نتوانند کرد باید دوشیار باشند که باصول پلنیک و مهربانی بای بحاق آنها نمایند ، و این نکته را هم ایرانیان باید درست در کله خود جای دهند که بالا اختیار یعنی از صمیم قلب روسها مؤید حریت ایران نتوانند شد ، چه آزادی را مخالف مسلك و مضر بحال خود می بندارند پس کافر نس را که روس محرك باشد بری حریت ایران نتیجه اش معلوم است

حجت لایحه جوابیه است که مقلدین
جنوب آقا سید کاظم یزدی فرستاده اند

جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقا سید حاجی سید محمد کاظم طباطبائی یزدی ادام الله ظله - با کمال ادب و خضوع و نهایت توقیر و خشوع بمرض طالب برسام - در این گیرودار یک مافعل بر مملکت ابراف رخ نموده و در هر طرف کم و بیش باواع مختلف اثرات خود را بخشیده و موحد بد بختهای گوناگون حجة این ملت ستمدیده گردیده ما که جی کثیر و جی غفیر از مقلدین حضرتعالی در حوب ابراز هستیم فی الحقیقه و من الامس در تکلیف خودمان حیران و سرگردان مانده ایم. زیرا از یک طرف حضرت مقدس حجج اسلام ادام الله ظلم علی الامام احکام مؤلده صریحه در و حوب مشروطیت و لزوم اطاعت مشروطه خواهان و معذب و مخالفت با استبدادیان صادر کرده و مردم را با کمال تأکید با حراه احکام خود شان امر میفرماید. و از طرف دیگر بعضی افواهات راجحه به دویت یا العباد بالله هامت آو خود محترم با ایشان میرسد، و کنون واقعاً ایماں ما دز معرض خطر مانده و در میان کفر و ایمان گرفتار گشته ایم. یعنی هر کس بتکلیفی که دارد عمل میکند غیر از همینان که چون نص صریحی از طرف دبشرف نداریم نکلی بالاتکلیف مانده ایم، و یکجوع حیرت بری مان دست داده است، و مجبور اکنون لازم دانستیم که این ورقه را خطاب بشخص مقدس عالی نوشته کس تکلیف کنیم، زیرا امدار آهمه سلطای تقلید و اتباع اواس حضرتت بر خود هموار دیدیم که مانند مقلدین هندوستان و سایر هاسا فسح تقلید کرده باشم بدون اینکه از طرف ساس الصراحه تکلیفیمان تعیین گردد

قبل از اظهار مقصود دو استنده از ساحت مقدست داریم، اول اینکه هر صفة حقیران بدقت و غور قرائت فرموده و در موضوع معروضه مذاقه کاملی فرمائید دوم آنکه برای رفع شبهات از ادعای مانه مرحوبانی را که در این باب دارید یکی از حرایب اسلامی فرستید تا درج گردیده و انتشار یابد -

در این انتهاضات اخیره شبیبانی که از کثرت ظلم

و تعدیات خارجه حکام و حرکات خود سرته اولیاء دوات بسقوه آمده بودند میخواستند تا کس تحساد معزوی و اتفق حقی حدود و اختیارات ظالمین را حدود نمایند - از مدم مانبع و همت حضرتعالی فقط همین توقع بود که در آن اماکن معده بالار منبر - در محس مقدس - در حوزه دوسر و عمره - دستگا ظلم و معاونت ظلم و اطاعات ظلم را علناً صراحتاً لعن و ظالمین را حصاراً تضیق فرمائید - اهدام بیاد ظلم و تخریب اساس حوب، واحده این قلوب تشریده موقوف بیک فتوی حجه مدیده، و حجه باشد اگر مصدر آن فتوی شخص شخص حسابی مینویسد -

ای ملادمسلمین، ای معاهد مایهوفین، ای مرجع تقلید حبی از مؤمنین، در پشتگاه حضورت نمکدم که معاندین عدالت و داد را طانت فرمودند، ولی ما بر سیم چه شد که در اعلام این دوی عدل آهی سکوت احتدار کردید و مقاصد سار حجج سلام را مصاه فرمودید؟ برای افتخار، محی حور ساسد باعات فرقه مقلدین بالار را این چه تصور میشد به دور هیچ خور بریزی فقط قوت نطق و قدرت کلام و عمو - دوی این دوات اسلامی را در این و هله بر خطر اطاعت فرموده و از جنگ این حاشین خوشحوار که (یا کلمون مال الله دولا و یا حدود عباد الله خولا) خلاصی نگردید، و بواسطه استقرار آئین عدل طی و قوانین شریعت مهدهه مجدداً اسباب سعادت و فلاح ببشدید - حرف حسابی ما ملت ایران قلندین حبهالی و غیرهم در مهابل دواتبان ایستگا هوق - باوس - ثروت - و کلیه و سایل زندگی ملت را بید احاطت فروخت - علامه علام و ذراری حضرت خیر الامام را باید این شاعت های نگفتنی آهم در نظر رفتار در بدر و آورده یا بلکه نابود و معدوم ساخت - با سه توپ پنبه (۱) باید این همه حاق خدارا کشت - برای حفظ نفس معدودی از بی دینان معروف و مشهور نباید خطه یک مملکتی را دوچار این همه مخاطرات فراوان و گرفتار مهانت بی پایان نمود

ما میگوئیم مسلمانان ایران باید از مال و جان خود افلاً بقدر اسرای سار ملی مطمئن باشند - ما میگوئیم خلقی ایران نباید در تحت این کوههای ظلم و تعدی تا ابد مدفون باشند - ما میگوئیم بیان اسلام بر

عدالت میباشد و در هر چه موقع بر خطری که بیضا
 اسلام در خطر افتاده باید اقلأً تقابل ظلم نمود - و
 بالاخره ما میگوئیم که بواسطه مسامحه و تکامل نیاید
 بتمام جنین خاطر نشان کرد که صکه المیاد باقی تقدیر و
 قسمت مسامین فقط تحمل جور و ستم و کشیدن بار
 احساس است ، بلکه باید اندکی از المیاد چشم پوشید و
 در عروسه عمل داخل شد ، و قدوی از عدالت اسلامی
 در این مملکت خراب جاری کرد که آنرا از اضمحلال
 و نقرض برماند - ما چیزی میخواهیم که از قدرت
 دولت و قانوف اسلام خارج باشد - ما میگوئیم در
 اصلاحات ملکی رجوع بقانون خارج شود ، چرا که
 شریعت مقدسه الهی را بری آسایش و ترقیات این ملت
 کافی میدانیم - ما اجراء قانون الهی میخواهیم ، وضع
 آن - ما میگوئیم علماء و مجتهدین و فضلاء و کلمین
 در یک شورای امری جمع ندهد ، بطبق اصول اسلامی
 حدود سلطنت ، حدود رعیت - شرایط جماعت
 و وسایل رفاهیت عامه را تعیین و مشخص نمایند ،
 و اجراء این قوانین مقدسه را در زیر حمایت پادشاه
 بضانت وزراء مسئول و اطاعت مجلس مخصوص مقرر
 دارند - پادشاهی نکنند بحکم قانون ، طالبات بگیرند
 بحکم قانون - مصرف رسانند بحکم قانون ، مناصب
 و مواجیب بدهند بوقف قانون - منزل و نسب کنند
 مطابق قانون - خانه و املاک ما را بگیرند موافق قانون -
 دست و گش ببرد بر حسب قانون ، و بالاخره
 هر کار مشروعی را که میخواهند نکنند بحکم قانون ،
 مقصود از سنت انبیاء این بوده که موافق قانون الهی
 اصلاح امور معاش و معاد مردم بشود ، اشرف قوانین
 تصدیق کل ملل قانوف اسلام است ، یا اجراء این
 ظالمین در اجراء آن ما را محروم و ممنوع ندارد -
 آیا آن کسی که میگوید قانون الهی منسوخ و میل من
 قانونت کافر و مرتد است ؟ و اگر برسد پس مسلمان
 کیست ، قانون مسلمان چیست ؟ در کلمه مستحبات
 این فلک درنگ ، که ام مسئله است صکه مطابق قوانین
 اسلام نباشد ، گر هست بسم الله هم می فرمائید و بدو
 این شبهه منتهی و مشروطه را ازین بردارد ، و اگر
 این مستحبات مطابق با قانون نیست استرحام داریم که
 برای رضای خدا - بجهت خدا شنوی - اول - و بعض

رفع شبهه ارطاما . بتوسط يك لایحه يك رساله مخصوصی
 مرقوم فرمائید که لازمه دینداری و تکالیف شرعی شما
 اطاعت ظلم و فکین از تعدیات جاراته درباریان است
 و در آن صورت برای حجة لاسلامی جناب عالی چه
 حقیقی و معنوی باقی خواهد بود ؟ جناب عالی چگونه
 بر مراتب اسلامیت و مرجعیت خود می بسندید که چند
 فقر رذل بیست فطرت از خدا بخیر مصدر این همه ظلم
 وجود شوند ، تا کجا قساوت قلب و بی پروائی خانه
 مردم بیگناه مدیخت را خراب کنند ؟ اگر جناب عالی
 ما سار حجج اسلامیه در تخریب اساس ظلم متقی می
 شدید و این دستگا ، ظلم را در نظر طایفه طعن و لیس
 میفرمودید ، کدام ظالم بی اصف بود که از اجراء قوانین
 مقدسه اسلامی سر بیجان باشد ، و از برای پیش رفت
 مقصد سینه و عیاشی و کامرانی چندروزه دنیا و
 ادخال رعب در قلوب مسامین آنچه خورنری نماید ،
 خانه خدا را خراب کند - قرآن و بسوزاند - ناموس
 مسلمانان را چنان دست اجلیسان برآید دهد که ظلم را
 از ذکرش شرم و خجالت میآید

واقع باقی که روح اسلام و حقیقت مسلمانان منتظر
 اتفاق حیات بخش شما حجج اسلامیه عتبات طالبات می
 باشد ، و خدا را گواه میگیریم که در این دقیقه حاضره
 بجدی بیضا اسلام دوجار خطرات جاسوز گردید ، که
 اگر ، قنقه در حصول آن اتفاق تکامل و تسامح شود
 خدای نخواستہ آنچه باید بشود میشود و آنکه باید
 برسد میرسد ، و سایر مراتب مذکوره امر، زه اولین
 طریق حقی که برای جنابعالی میباشد این است که بلا
 تأخیر و بلا تکامل باره ملاحظات شخصیه را از نظر
 مبارک دور فرموده و نقطه نظر محترم خود ثابت را
 فقط و فقط احیاء اسلام قرار داده و در این اجتناع
 حجج اسلام داخل شده سعی فرمایند که هم واقفاً
 پیش از این شیعی معاصی مسامین نشود و هم علاوه بر این
 در نقاط و سراکز عبیده علقی برای سلب اعتقاد مردم
 از وجود مبارکتر فراهم نکرده ،

حضرتعالی که کراراً فرموده باید در کبری پخته
 حرفی بدرید ولی صفرای آن محل حرف و نابل
 میباشد ، پس در این صورت آیا بینکم و بین الله خدا
 را خویش میآید که برای يك صفرای این همه بیچارگان

امثال حقیران بلا تکلیف و سرگردان و در طرف
مختلفه ایران افواحات معاندت جنابصالی وارد هر زبان
و موجب حدوث هزاران بلائی در باین جهت مملکت
وملت بدبخت بران گردد ؟

آیا اگر حضرتعالی با وجود آنچه طلبهای بزرگی،
که از طرف مثبت استبدادیان نسبت مردم میشود سکوت
فرمودید طبعاً این عمل موجب سستی عقاید مردم و مورث
هزاران درد های ناگفتنی میشود ؟ آیا و مال آنها
کشش و خونریزی های ناق و هتک نوامیس و نهب
اموال و حرق بیوت که این ظالمین از خد بخیر در
هر گوشه از این مملکت ارتکاب میکنند بر آسمان
نیت که وصف علم و اطلاع کامل را این فضا یا
سکوت و صموت پرخته و با وجود قبول مسئولیتی
که در پیشگاه کبریائی و صاحب شرع مقدس کرده اند
اداً بفریاد عبادت رسیدند ؟

در خاتمه این هریض مجید مستند عیاب فوق را
موده برای نصیر اصول سلطنت استبدادی یک کله
حرف تازه نداریم یعنی مقصود ما از این است نه آنچه
موافق قانون اسلامی میباشد بیا بدهند و آنچه را که
مست نحو هم بپذیرفت، ولو اینکه منجر به ریختن آخرین
قطره خور خودمان باشد - والسلام علی من اتبع الهدی
(هموم منهلین خناصالی در جنوب ایران)

جلالتین

مارا حق خدمت بدیانت حقه اسلام و عودت
طریق رشاد مقصودی نیست، هرگاه سید هم جواب
باین لایحه دهند علناً درج خواهیم نمود

اخبارات تلگرافی خارجه

تاکنون در (میدینیه) در خرابه های از زلزله
نجسی می شود بلکه کسی زنده دستیاب شود، فقط ۳
مرد زنده یافت شده - مجلس ملی (آستریا) ده هزار
لیرا و (کینگ امانیول) یک میلیون لیرا در اعانه
مصیبت زدگان اعطا نموده

ار (پکن) تلگرافاً روزنامه (طمس) خبر
رسیده که دولتین روس و ژبون از معزولی (یان تی
کان) دلگیر نیستند، خاصه دولت ژبون، چه مشارالیه
در مسئله (منچوریا) مخالفت از ژبون نموده بود

جهازات دول خارجه بسمت (میدینیه) رهسپار

تمه - در (کالابریه و میسیلیه) در روز باز زلزله شد -
و تخمیناً اتلاف نفوس کلاً از (۲۰۰۰۰۰) زاید
بشمار آمده

در (موصل) اغتشاشی بظهور رسیده، بعزت
بنکه يك سرماجرم ایذا رسانیدن به زن گرفتار
شده، ازین رو همطهران وی در عیس جمله کرده
قیدیان را رها کرده و در شهر شای نهب و غارت
گذاردند، و شیخ ولی (موصل) و اولاد و احمداد و
ملازمانش را بقتل رسانیده، از سرمازان و مانندگان
شهر هفتاد نفر مقتول شد، پنج (بنالین) قشون را
حکم شده از (رجن) در (موصل) رود

د عله تحریک (یویارک - امریکا) دیشب حریفی
سحق وافع و قرب ربع میلیون ایرا نقضی اندازه شده،
خبری از (واشنگتن) رسیده ظاهر میدارد که
سکومت در عیس شورای ملی تحریک خواهد نمود که
چهار فرود چهار جنگی دارای (۲۵۰۰۰) طن و
چهار کشتی موشک و ۱۹ چهارت کوجک تعمیر شود
مصارف آنها (۷۵) میلیون دالر اندازه شده

عمر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که (تنگ
شوی) که در (واشنگتن) حقه امری پوشیده رفته
بود او را حکم رجعت شد، و فوراً از طریق اروپا
مراحت خواهد ارد

نفری امریکا و انگلیس از این راده باز آمده
ند که میدو استند شکایت کنند از معزولی بیعت
موجوده که یکی از آلمان (یا شیکائی) بوده است

وریر خارجه (مسبو مبلاوویچ) که معذرت
خواسته در (ناگرید) شایع شده، در وریر خارجه
(آستریا) مشهور نموده که بن مناقشه منتهی گشت

موجب تنگرفی در (سلاوین) رسیده يك مجلس
عمومی منعقد شده که (۱۰۰۰۰) نفر در آشریک بوده اند
در باره الحاق (آریت) میان تحریکات شکایت آمیز
امضا و نقل آشریکان با عالی پش شده که حقه
ملاحظه دول اروپا فرستاده شود، رئیس لوردا اظهار
دشته که (کرت) از مسمرقات دولت عثمانی است،
دوات یوانف بدل از بن مهر و بر که تحت
اظارت دول اروپا حتی الاکان بموجب خواهش رطایا
پیری خواهد ارد

§ مخبر (روز) ز (پکن) خبر میدهد که يك فر انگلیس (بروك) که مشغول سیر و تفریح بود در (سیچون عرض) بقتل رسیده

§ در خارجه (وینزولا) وارد پاریس شده مقصودش اینست رنجشیکه بین دول اروپا و (وینزولا) واقع شده رفع نماید

§ موج خریه که از (اسلامبول) رسیده (مارکویس بالابینی) سفیر (آستریا) مأمور شده بر اینک (۲۵۰۰۰۰۰) لیرا در زجه تاوان عثمانی قبول کند روز نامه رسمی (ویاه) می نویسد که ص بر مبلغ تاوان کردن پیوده چه امید است دولت عثمانی این مبلغ گزاف را قبول خواهد نمود

§ تلگرافی از (اسلامبول) ظاهر میدارد که تحریک جدید دولت (آستریا) را ایمانو احدی بطا بسندیده اند فعلا امید است که مصالحه شود

§ هفتم ماه جنوری ۶ نفر دیگر را زنده از زیر خرابه های میسینه بیرون آورده اند تلگرافی از (روم) رسیده که مجلس شورای ملی مسوده قانونی را که (سکتر کیولیتی) پیش کرده بود برای امداد مصیبت زدگان زلزله امضا نموده . مجلس ملی بدین طریق منظور نموده که مالیات خاصی جاری شود که تا پنج سال باید به مصیبت زدگان این زلزله باشد

§ دیوک آف کنسات از (مالتا) در (ریگیو) رفته که ملاحظه شفاخانه فوجی را باید -

§ علیحضرت (ادود هفتم) پادشاه انگلستان در روز نادریاز مشغول گفتگو با (لاردمارلی) وزیر هند بود . ظن غالب است که در مسائل راجه به هند گفتگو می نمودند -

§ دیروز در (میسینه) عدد زلزله محسوس شد . دواین انگلیس و امریکا فصول عهدنامه حدود بحری (کنیدا) را قبول نمودند -

§ حکومت فرسه از مجلس شورای ملی امضای اعمالی بك مایون فرامک برای امداد مصیبت زدگان (مسیبیه) خواهش نموده است -

§ (یرت کول) رئیس اداره خارجه (ویاه) بسفارت ژپون و سیام مأمور شد -

§ دولت (آستریا) تاوان الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) را که به ابالی پیش نموده عموماً در (ویاه) پسندیده ازین رو قیمت سندات استقراضی ترقی کرده . این تجویز در اسلامبول هم مطبوع افتاده و امید است امور مصالحت به انجام رسد . شك نیست که نامالی دطوییه دیگر هم خواهد نمود که میلی اضافه بر این عاید شود ولی (آستریا) پیش ازین نخواهد داد

§ مسئله نصفه دطاری (سرویا و موتی نگرو) و تاوان (بلغار) به دولت عثمانی هنوز باقی است -

§ در (برلن) تلگرافاً خبر رسیده که قبایل (منشی) در حدود انگلیسی و مقام (نایکره) حمله . هیئت کبسیون سرحدی انگلیس و آلمان آورده - ۲۳ دسمبر گذشته حسب خواهش کبیسر انگلیس فوج آلمان هم شرکت در سرکوب آنها نمود - در این وقته از فوج انگلیسی و آلمان (۲۵) نفر مقتول شد سرهنگر آلمانی مجروح گردید از اردوی آلمان استمدای امداد شده که وقت لزوم به فوج انگلیسی داده شود

§ دیروز عصر در سینل - بیلنگهام - تا کوما - و انکو مار - و کتوره - و کلیدیای انگلیس احساس زلزله شد باشندگان آنجا خوف اند ولی نقصانی بکسی نرسیده

§ کبسیون بحری مجلس ملی امریکا تجویز حکومت را برای مصارف تعمیر چهارات جنگی از (۷۵) میلیون دالر به (۲۹) میلیون دالر تخفیف داده و فقط تعمیر دو چهار را منظور نموده است

§ ملای سوماتالی (۲۰۰۰۰) شتر را ببارت برده و بسیاری از قبایل متعدد را بقتل رسانیده . تدارکات قشون دیده می شود . (۳۰۰) تنگچی افریقائی و (۴۰۰) سرباز هندی در (بربه) وارد شده . و انتظار فوج دیگر افریقائی مشرقی را دارند

§ در بودجه روس (۹۰۰۰۰۰۰۰) لیرا کمی معلوم شده این کمی بسبب نقصانات تجارتی وقت مداخل راههای آهن است

§ مخبر (روز) از (پکن) خبر میدهد که سفرای دول اروپا به دولت چین اعتراض نموده اند که اداره مخازن تلگرافی را تمام متصرف شده است

§ موج خریه که از (اسلامبول) رسیده (مارکویس بالابینی) سفیر (آستریا) مأمور شده بر اینک (۲۵۰۰۰۰۰) لیرا در زجه تاوان عثمانی قبول کند روز نامه رسمی (ویاه) می نویسد که ص بر مبلغ تاوان کردن پیوده چه امید است دولت عثمانی این مبلغ گزاف را قبول خواهد نمود

§ تلگرافی از (اسلامبول) ظاهر میدارد که تحریک جدید دولت (آستریا) را ایمانو احدی بطا بسندیده اند فعلا امید است که مصالحه شود

§ هفتم ماه جنوری ۶ نفر دیگر را زنده از زیر خرابه های میسینه بیرون آورده اند تلگرافی از (روم) رسیده که مجلس شورای ملی مسوده قانونی را که (سکتر کیولیتی) پیش کرده بود برای امداد مصیبت زدگان زلزله امضا نموده . مجلس ملی بدین طریق منظور نموده که مالیات خاصی جاری شود که تا پنج سال باید به مصیبت زدگان این زلزله باشد

§ دیوک آف کنسات از (مالتا) در (ریگیو) رفته که ملاحظه شفاخانه فوجی را باید -

§ علیحضرت (ادود هفتم) پادشاه انگلستان در روز نادریاز مشغول گفتگو با (لاردمارلی) وزیر هند بود . ظن غالب است که در مسائل راجه به هند گفتگو می نمودند -

§ دیروز در (میسینه) عدد زلزله محسوس شد . دواین انگلیس و امریکا فصول عهدنامه حدود بحری (کنیدا) را قبول نمودند -

§ حکومت فرسه از مجلس شورای ملی امضای اعمالی بك مایون فرامک برای امداد مصیبت زدگان (مسیبیه) خواهش نموده است -

§ (یرت کول) رئیس اداره خارجه (ویاه) بسفارت ژپون و سیام مأمور شد -

§ دولت (آستریا) تاوان الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) را که به ابالی پیش نموده عموماً در (ویاه) پسندیده ازین رو قیمت سندات استقراضی ترقی کرده . این تجویز در اسلامبول هم مطبوع افتاده و امید است امور مصالحت به انجام رسد . شك نیست که نامالی دطوییه دیگر هم خواهد نمود که میلی اضافه بر این عاید شود ولی (آستریا) پیش ازین نخواهد داد

§ مسئله نصفه دطاری (سرویا و موتی نگرو) و تاوان (بلغار) به دولت عثمانی هنوز باقی است -

§ در (برلن) تلگرافاً خبر رسیده که قبایل (منشی) در حدود انگلیسی و مقام (نایکره) حمله . هیئت کبسیون سرحدی انگلیس و آلمان آورده - ۲۳ دسمبر گذشته حسب خواهش کبیسر انگلیس فوج آلمان هم شرکت در سرکوب آنها نمود - در این وقته از فوج انگلیسی و آلمان (۲۵) نفر مقتول شد سرهنگر آلمانی مجروح گردید از اردوی آلمان استمدای امداد شده که وقت لزوم به فوج انگلیسی داده شود

§ دیروز عصر در سینل - بیلنگهام - تا کوما - و انکو مار - و کتوره - و کلیدیای انگلیس احساس زلزله شد باشندگان آنجا خوف اند ولی نقصانی بکسی نرسیده

§ کبسیون بحری مجلس ملی امریکا تجویز حکومت را برای مصارف تعمیر چهارات جنگی از (۷۵) میلیون دالر به (۲۹) میلیون دالر تخفیف داده و فقط تعمیر دو چهار را منظور نموده است

§ ملای سوماتالی (۲۰۰۰۰) شتر را ببارت برده و بسیاری از قبایل متعدد را بقتل رسانیده . تدارکات قشون دیده می شود . (۳۰۰) تنگچی افریقائی و (۴۰۰) سرباز هندی در (بربه) وارد شده . و انتظار فوج دیگر افریقائی مشرقی را دارند

§ در بودجه روس (۹۰۰۰۰۰۰۰) لیرا کمی معلوم شده این کمی بسبب نقصانات تجارتی وقت مداخل راههای آهن است

§ مخبر (روز) از (پکن) خبر میدهد که سفرای دول اروپا به دولت چین اعتراض نموده اند که اداره مخازن تلگرافی را تمام متصرف شده است

نگارش يك از دوستان قديمي

« و وطن خواهان صميمي »

مولانا در عمر خود بنده را خوشتر از آدمي دي بوده كه مکتوب حقيقت اسلوب آسانم راي و قائل صمداني رسيد ، ولي هزار افسوس كه وصول آن مکتوب در روز محس بود كه همه آنخونخالي مبدل بيأس و كدورت گرديد يعني وصول آن در ۲۳ جمادى الاولى كه معاصف بود ما تحريك مجلس مقدس كه با كلوله توپهاى آتش فشان به تنها مجلس را ويران بله عموم مؤمنين و مسلمين را سرگردان ، دين و آئين حضرت حبرالمرسين را بريشان ساختند و سيمم الدين ظلموا اى ملقب بنمايون

فرداى آروز از هر طرف تلگرافات ماريدن گرفت كه پارلمان ايران را ويران و ششمه قمر هدف مرمي توب و ننگ آتش فشان گشتند .

(خوش درخنيدي ولي دولت مستعمل بود)

كاتب مدارم كه احدى مانند اين بنده از بين حبر ميشوم بريشان و متاثر باشد زيرا كه بيمار زحمت كشيده دود چراغ خورده فكر کرده عمر ضايع نموده خسارت مالي ديده كه قانون اساسى و مشروطه را تحت اين طاحز نوشته طبع و نشر نمودم بر همگان سببت گرفتم حله اول سياحتنامه ابراهيم يك شاهد حال و گواه بر صدق مقال است كه شانزده سال قبل نوشته آمده ، و سه چهار سال پيش از آن صرايض متعدد بناصرالدين شاه و مظفرالدين ميرزا يى و امجد و نايب الساطنه و ظل الساطان و صدر اعظم وغيره نوشته منافع مشروطيت را خاطر نشان نمودم ، و راه را از چاه نمودم ، و در روسيه مدت چهار سال جريده باسم شاهد ن تا ما كيلة دستى طبع و نشر کرده همه ما فرستادم منافع مشروطيت و عدالت و مساوات را نشان دادم ، هر چه كوشيدم نموي مديدم تا بعد از آنها سياحتنامه را انتشار دادم اگر چه سبب پيداى ملت از حواب گران فغلت شد ولي در بار اول و حكومت مؤثر نگريد و دو حله از كتاب ابراهيم بيك طبع نكشته تا بد گذشته از اياها صد و شانزده عمره در خصوص عدالت و مساوات و مشروطيت كه تا آزمان در هيچ نقطه ايران قانون

مشروطيت و مساوات طبع نشده بود مقاله نوشته خدمت چنايعالى فرستادم كه همه را مطالعه بديج وجه من الوجوه در عييج موقع با از دايره ادب بيرون نهادم بارار و بياز در اين باب سخن راندم و تمام خواستارى قانون عدالت و مساوات بود

ما اين حال ملاحظه فرمائيد كه خبر ميشوم تحريك پارلمان چه ضرره انگههاى باين پير مانوان طابق دولت و مات و مملكت رده صاحب وجدان سايم حالت ياس و انگار اين سده را ميداند خدا جزاى خير بدهاد كسانبرا كه جبهه آسايش خود مى كرور ملت را بريشان و محض آبادى خود مملكت و خاهاى ما را ويران نمودند

(فغان از دست شد آرادى ما)

(بشمها شد مبدل شادى ما)

(بي آاد خود ويران نمودند)

(مهافت كم خرد آادى ما)

اى ايتاي وطن و اى برادران عزيز هم من باخر رسيده و شايد اين آروز را من بخانه گور برم لذا به شاهاناس مى نمايم كه در اقدامات خود سامى و ثابت قدم باشيد ، شما را جميع دول و عموم ملل مشروطه مى شناسند قانون اساسى مشروطيت شما را بشارت برود ، مسلم است كه حق مشروعه خود را از راه زمان دين و دولت استرداد خواهيد ساختد در دشمن شما استعداى باقى مانده فقط مانند روميه حيله بر مى انگيزد ، سنگ تفرقه ميان خودتان مى اندازد شما را به تفرق روس ميترساند يقين بدانيد كه تفرق روس بايران نيامده و نخواهد آمد ، اين بي ماموس نام حسن را يون و نام حمير را واصل گداشته عموماً ايراني هستند در لباس تفرق روس اما از مرعوبيت است كه آن حرارت اهالى ازلى و رشت را بيفسرد مرعوبيت است كه اهل خراسان را ساكت نمود مرعوبيت است كه اهل كرمان و شيراز و اصفهان را مانند كاشانيان نمود ، اين شايعات تجاوزات روس ساخته و پرداخته دولتيان بي ماموس است بصوابديد و همراى صفيير روس و الا امير طور روس ابدآ از بين طاحرا خبر ندارد ، ملت روسيه حامى پارلمان شايد مگر مى شنويد در دوامى روس چه قيل و قال است ، دولت روس از ملك سناني بزارگشته در مكر ترقى و رونق تجارت

ست نه خیال آذربایجان و آنکی معاهده انگلیس
موانع بلتیکی دیگر مانع ازین خیال است علاوه بر
این دولت روس میخواهد براسی به ایالت خراب
بیدخل در این کشمکش داخلی خود سی ملبان رحبت
اسلامی خویش را رنجیده خاطر نماید دوست بسلبید
که روس دوست و شی سال تمام دشمن عثمانی بود
دفعاً بولتیک وی برگشت دست دوستی بجانب عثمانی
هوا کرده میل اتحاد دارد، بسیار وجوهات هست که
دال است بر عدم مداخله دولت روس میتوان شر
داد مختصر این است که ایران هر قدر محتاج دوستی
روس است هاتقدر دوستی روس بجهت رواج دادن
تجارت خود محتاج به ایران است این نکته را واضح و
بی پرده و ساده بوشم

برادران عزیزم پیشرفت کار ایران بسته با اقدامات
وطن پرورانه خودتان است تا هم بنشینید صحبت نمایند
در نزد قوت ملت هیج فریدلان هیج نابلیان هیج
شارل هیج سلطان حمید تاب مقاومت بیارود در هیج
تاریخ دیده نشده که ملت حق شناس از استرداد حق
مشروع خود محروم ماند، مدعی شما را هیج قدر و
مترت نیست شما را علاوه از قوه ملیه پیشوایان شما
قوت روحانی هم داده اند شما را سعید ومدعی شما را شقی
و بدبخت یاد کرده اند جنگ شما را جهاد فی سبیل الله
در پیش روی حجة الله قوا داده اند، کشته را شهید و
کشنده را قازی نامیده اند و این احکام را دربار
ملق میفرمایند که روزی چند مرتبه خطاب به پیشوایان
دین خود نموده میگوبد: ایتنی کثرت ملک قانوز فوراً
عظایم، چنین خیال نمایند که میدان کریلاست در پیش
روی حضرت حسین عدالت مساوات حریت میخواهد،
حد خدا را که همگی طرف بحق امام خود هستید آیا
امیرالمؤمنین علیه السلام را بفرمود فرمود که یا علی بند
از من با ناکثین و مارفین حرب حوامی کرد آیا ناکثین
اصحاب پیغمبر و قائل کلمه توحید بودند بجهت نکت هم
از دین ر نگشتند حال آنکه آنها سوگند نخورده
بودند مدعیان شما چند بار بکلام الهی قسم خورده و
نکت عهد کردند داخل بزمه ناکثین بیدین گشتند آیا
مارفین غیر از حاط قرآنی از کثرت سجده پیشان
ایشان مانند زاوی شتر پنه بسته بود چه شد که امام

زمان همه را عرضة دمار و هلاک ساخت غیر از آن
بود که اول امام خود را گفتند ناکثین اهل کتاب بوده
است محاربه با ایمان حرام است بعد از گذاشتن حکمین
با امام گفتند باید نکت عهد کنی و محاربه نمانی درست
ملاحظه فرمایید به پینید سید یزدی و شیخ نوری و
پادشاه و غیره، غیر از اینها هستند نه والله نه باقی، شیخ
نوری مانند وسواس هر ساعت بلباسی ملبس گشته
خنده می انگیزد، نه برای آخرة است و نه به عبت
شاه بلکه عبدالعظیم است برای سینه مرغ این تلبیس
مانند ابلیس بکار میبرد

ای احرار امت ای مجاهدین فی سبیل الله برادران
عثمانی ما در حق شما به پینید جگره اشعار ما، ایند
چنانکه خودشان گفتند و کردند والسلام
(اقل زین العابدین مرثیه)

از خامه ادیب کامل خلیل ادیب

در ستایش احرار ایران

- احرار دیوب کجبه صاقین ابه تاشا
- سار سار می قوو تلارون اول فرق حاشا
- بیل حدودی وقت ابه بر باق او نه دولقان
- هر فردی آتش بوسکور پرورمه شتابان
- زهار قیاس ابلعه احراری او بو نجیاق
- قصد لری حق بولنه جان و برمدی آنحق
- بیروبله رسین قلعه صادا شما نه بقلاز
- احرار ابه او هنرا شما یازق باشه چقلاز
- بیک فردینی اولد درسه بوکون توب و قنکون
- بوزمئلی یارین شاقید رشوق ابه جنگون
- حبیب ورقه گنجایش ندارد تمام هشتاد بیت
- منظومه را نویسم تا مجاهدین لذت برند این منظومه را
- ادیب کامل خلیل ادیب در حق احرار ایران سروده است

ایضاً

چون در هر عصر و اوان اهل فساد و طغیان
باضحلال ارباب ایمان و ایقان نیرنگی بکار برده و حربه
عوام پسنده رانگبخته تا خون مؤمنین ریخته و خانها
مسلمین را بر انداخته اند
لذا کشف این حقیقت را بر ذمه خود واجب

داشته و حساب مؤید الاسلام عرضه دارم از بدو ظهور دین حنیف اسلام الی یومنا هذا دیده و شنیده ایم که ضرر و خسارت علماء سوه باسلام از تهاجم ورقة کفار بیشتر بوده چنانکه بعضی قربتاً للشیطان برخی بعضی بک مارکاته و ورقة بحیة بجزار و ده هزار تومان پول دین خود را میاده کرده و میکنند، این نوع اشخاص از زمان نوح بوده و کردند آنچه کردند چنانکه اکنون علماء سوه ما میکنند در بدو اسلام فتوای قتل ناحق را شرح قاضی داد سکه قتل امام زمان موافق قانون شرع احمدی واجب و لازم است در این او خرمم شیخ فضل الله قوری جانشین و قائم مقام شرح قاضی گشته، موای قتل و طرد اولاد امام را بنام رواج شرع سوه داد چنانکه شاه در دستخط آخرین مورخه ۲۷ ... (۱۳۲۶) می نویسد چون بعد از انفصال محاسن سوه، حفظ مملکت و دفع مفسدین بیدین بانی که ... عدم آسایش رعیت بود دولت اقدام نمود که این محاسن بیدین بانی را دفع نماید از این فقره چنین مینماید که حجتی الاسلام آقا سید محمد و آقا سید عبدالله مجتهدین را که کتک زده و سر شکسته و ریش ککنده الحراج بده نمودند و ملک المتکلمین را بدار آوریم (المهده علی الراوی) گوشت بدنش را قطعه قطعه کرده خوراک سگان نمودند و آقا سید جمال واعظ اصفهانی را در محبس زهر خورانیدند پس نکشته اسم بانی و لا مذهبی و بیدینی و واجب القتل بودن را هم بر این شهدای حریّت بسته اند چه شبهه است تا آنکه هر کس حالات اسرای آل رسول را میبیرسد میگفتند حسین بن علی بر امام زمان یزید بن معاویه خروج کرده بود خود و اتیاعش را کشته زناش را اسیر کرده خدمت امیرالمؤمنین یزید میبریم چون دیشب در خانه هنرزی ضیافت بود بنده هم موعود بودم بکنفر تاره آمده بود حالات طهران مذاکره شد گفت، آنها را که کشتند و طرد و تبعید نمودند بحکم شرع مطهر کردند زیرا که هر کس مذهبی بانی داشتند و میخواهند شاه را بکشند و یا ارسطانت خلع نمایند بنده خود داری نتوانم - سوال کردم که آقا جان شما از کجا دانستید که آقا سید جمال واعظ و ملک المتکلمین و آقا سید محمد و آقا سید عبدالله و غیرهم

بانی بودند میخواهند شاه را بکشند و یا خلع نمایند در جواب گفتم حاجی شیخ فضل الله و آقا مجتهد نزد چندین نفر که بنده هم بودم گفتم هموم اینها بانی و کافرند میخواهند شاه را بکشند و آقا سید عبدالله و دین جمهوری بشود

ای فقره بنده را واداشت بر اینکه کشف این اشتباه از کسایک مشتبه شده اند از اینکه این جماعت میخواهند شاه را بقتل رسانند و یا خلع نمایند به نام و حال آنکه محبت و صداقت ایشان نسبت بشاه تا درجه عیای بود چنانچه سید جمال الدین شهید خطی بجهت در سیم جادی الاول نوشته پیش از تخریب مجلس به پیست رود که بن سید صاف درون و رأفت و عطوفت شاه چه قدر میباید و چه مزده ها میداد چون هنگامیکه حقیر در طهران بود با همه ایما مکالمه و صحبت کرده اظهار رأی خویش نموده که ما دامیکه دولت و ملت اتحاد نموده و دست بدست ندهند هیچ کار از پیش نخواهد رفت، و این مملکت حرب بحر اتحاد دولت و ملت آباد میشود البته طریق اتحاد پیش گیرید شاه بدست خارجا ندهید شاه در هر قانون مشروطه مسئول بدست شاه مهندس است هموماً تصدیق قول حقیر نمودید محمد علی لا شریک له سوگند تا بهم ذی قنده که در طهران بودم در خیال هیچ کس قصد سوه نسبت بشاه خطور نمیکرد و بعد از آن را هم کافذ آقا سید جمال شهید شاهد است، و از ملک المتکلمین هم قریب باین مضمون کافذ داشتم ولی ارمیان نوشته اند پیدا نکردم فرستم، اصل دستخط آقا سید جمال شهید را با بعضی اوراق دیگر روائه طهران نمودم بلکه نظر شاه برساند شاید متلبه گشته راه انصاف و مروت پیش گیرد و زمین کند که مقرضین از جمله احرای خیالات نفسانی خود کار را مشتبه مکرده اند و سبب و تخلف این همه حوں بیگناهان و هتک امراض مسلمانان و زاری بیوه زنان و اسک چشم یقینان داشته اند و این همه خسارت مالی و جانی که مدت سه سال است به ملت فلک زده رسیده و یا خسارت به دولت عارض شده و این همه بریشانی را هیچ مات عالم متدبر نتواند منحل شود و سه سال سهل است که تا می سال این خوربزی و قتل و فارت و هتک حرمت دوام خواهد

کرد ، شاید موقتاً این آتش خاناسوز با آب تدبیر فرو نشیند ، ولی در هیچ تاریخ دیده نشده ماتی که از خراب غفلات بیدار گشته ، بمقوق خود بی برد با قهر و غلبه دوباره او را بخواند ، گذشت آنگاه که هر کس تظلم از حکایت میکرد و یا فتاوی ناحق علماء سؤرا بزبان میآورد بدون سؤال و جواب داغ باری گری بر پشانی او می نهادند بحکم آقا فلان ناصر لدین شاه بقریه توب بست با حاکم شهری را فقط ریخته سوزانید ، اینطایفه ضاله بایه کم صدمه و خسارت ملت ایران رسانیدند خدا لعنت کند کسانی که این اسباب را فراهم آورده بدست حکام ظالم داده اند ، هر کس خواست از مساوات و حریت و عدالت دم زند جواب اینکلمات حقیقت آیات بجز باری بودن نشنید ، ولی حالا برده از روی کار برداشته شده ملت فرقه بایه هم گشاده شد عموم ملت باید فهمیدند که ملت ایران حریت و آزادی ، عدالت و مساوات میخواهند ، اجرای قوانین شریعت احمدی و پیروی طریقت محمدی سلم را میخواهند ، و آن قانون که حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله از جانب خدا آورده و خودش که عقل کل و هادی سبیل و شه نشاه دنیا و آخرت بود از آن قانون قدیمی کنار نگذاشته بدان قانون رهسپار گشت همان قانون را میخواهند ، بحکم آیه وافی هدایه (و شاورهم فی الامر) و قنیه عقل کل مأمور بمشورت باشد تا بدان هوا جس نفسانی چگونه از این حکم میرا باشند حلالچه روزی خلیفه دوم عمر بن الخطاب در بالای میز گفت ای الناس اگر در من امواجی و یا طوی مشاهده نمائید نمائید تا ترکش بایم امواجی برخواست و گفت از تو اگر کجی موافق شرع دیدیم با شمشیر کج آن امواج را راست مینامیم

بعد از آنکه ملت فهمید که حق سلطان بر رعیت و حق رعیت بر سلطان بحکم خدا چه چیز است بعد از آن سید زیدی و شیخ نوری خود را بکشند و گریبان چاک نمایند - بود نمی بخشد شریعت این اشخاص صدای نازنین اشرفی است عداوت او بیرون گشتن از مجلس است (تا گریزد هر که بیرون بود) که بیرونش کردند پس مسلماً دانسته باشید که طایفه امیر بهادر مانند وزیرای مستبد سلطان عبدالحمید و سرانجام شیخ نوری و

سید زیدی مثل کور علی و ملا احمد قزاقی خواهد شد تا پنج هزار وزیر مستبد و صدها ملای رشوه دوست نشان میدهند که هر کس قربان اقدامات مستبد خود گشته نهایت مانند ابلیس پرتلیس جلد روزی وسوس نفسانی خود را بخرچ عوام کالانعام داده بالأخره مانند زید بن معاویه و این زیاد هدف لمن و طعن عموم مسامین شده اند ، صورت مکتوب جناب سید جمال شهید علیه ظفرانف الملك المنال که با کمال شرف باین بنده از اقدات شاه مرقوم فرموده خوب است ملت ایران بخوانند خود ایشان که در راه دین لساناً مجاهده فی سبیل الله فرموده تا شربت شهادت چشیدند ، لامعالم ملت اولاد و اجداد ایشان را در ازای این ظلم که بانها وارد آمده احترام نموده ارواح ایشان را بدعای خیر یاد و شاد نمایند

عکس خط سید شهید مظلوم

آقا سید جمال الدین واعظ اصفهانی

رحمت الله علیه ۳ جادی الاولی ۱۳۲۶

(تصدقت شوم)

(باد همت در جهان همچون خضر)

(روح بخش و جان فزا و مستمر)

با کمال خلعت و انفعال از حضور محترم حضرت مستطابالی معذرت میجویم از اینکه دیرتر عرض جواب دستخط مطاع اقدام نموده ام

اما گمان میکنم شخص محترم عالی تصدیق فرمائید که این مطالب از طرف داعی قصور بوده است به قصیر ، علاوه بر این خداوند عالم و مهربان موجودات هر یک از انواع و افراد مخلوق را از برای شغل معینی در این اداره بزرگ طبیعت که اسمش عالم کبیر است خلق فرموده است ، چنانکه هر یک از اعضا و حواس در بدن انسان که عالم صغیر است شغل و مأموریت مخصوصی دارند ، ما مننا الاوله مقام معلوم (قل کل یعمل علی شاکلته)

امیدوارم این بنده عاجز و لاشئی آن مأموریت را که دست طبیعت که مصنوع حضرت احدیت است بمن عطا فرموده است از آن مأموریت خودم غفلت نوزم ، خصوصاً در چنین وقتی که کشتی استقلال

ملکد العیاذ بالله متلاطم است ، از خداوند مسئلت
مینام تو فیق عنایت فرماید ، بقدر قوه از خدمت و
مأموریت خود کوتاهی نوزم ، همچنینجه دست قائم
الارزاق از این خواست نعمت قسمت بزرگی و حفظ
عظیمی را بهره و نصیب شخص مقدس حضرت مستطاب
عالی فرموده است ، یعنی عقیده ام این است که هیچ نعمتی
را برتر و بالاتر و والا تر از این نعمت ندانم که اسان
بقوه تحریر و قلم مردمان خفته بلکه مرده چندین ساله را
از خواب غفلت بیدار کند بلکه حیات ابدی بخشد ،
همه میدانند که این مقام شان انبیاء عظام علیهم السلام
است ، دم عیسوی که مرده زنده میکرد مقصود همان
مردگان قبرستان جهات بودند (و فتح فی الصور
فاذا هم من الاحیاء) ث الی ربهم ینسلون)

(همین صکه اسرافیل وقتند اولیا)

(مرده را ز ایشان حیات است و بقا)

اگر چه حضرت روح الله محضی اظهار معجزه از
برای بعضی بخردان چند قری از مردگان سوری را
زنده کرده باشد ، ولی مطاب عمده حیات جاویدان
است که همان حیات علمی باشد (وما یستوی الظلمات
والانوار و لا الظل و لا الحرور و لا الاحیاء و لا الاموات)
در قرآن مجید مکرر کافر و جاهل را حضرت رب العزة
مرده فرموده است (انک لا تسمع للوین)

از مطلب خارج نشویم مأموریت حضرت مستطاب عالی
همان برادر کوچک مأموریت انبای مرسل و پیغمبران
اولوالعزم است ، کفرسی و رهان در ضیعی لسان قال
رسول الله صلی الله علیه و اله (علماء امتی کانیاً شی
اسرائیل) چگونه میشود زحمات حضرت عالی را با
زحمات دیگران مقایسه کرد و حال اینکه این یکنوع
خدمتی است که تا هزار سال دیگر فرزندان ایرانی
که قدم بر سره ایران میگذاوند حفظ و نصیب خود را
از او خواهند برد ،

بنده چند شب بود مونس جلد دوم کتاب مستطاب
ابراهیم بیگ بود

بنابر توصیف حضرت مستطاب عالی که فرمودید امروز
ملت ایران را هیچ چاره از برای پیشرفت کار مشروطیت
نیست مگر انحصار مات با شخص اهل حضرت هایون
خداوند ملک ، مردمان مقلد کاردان از وکلای مجلس

و غیر هم مجلسی فراهم آوردند منزل جناب ...
حاجی معین التجار مرکب از چند تفروکلا . ممتاز الهوله
رئیس . حضرت تقی زاده . مستشار الهوله حاجی میرزا
ابراهیم آقا . حاجی امام جبه طوی . حاجی امین الضرب .
حاجی محمد اسمعیل آقا . میرزا ابوالحسن خان شیرازی
حاجی ملک المتکلمین مدیر مساوات - مدیر صور
اسرافیل ، بنده ، با هم کمسیون اصلاح ما حضور حضرت
سیدین عابها السلام و توسط حضرت اشرف عبداللله
از حضور مبارک هایونی خواستار اصلاح و انحصار
شدند قبول شد ، البته در جراید ملایه قرئت فرموده
اید ، مات شب تولد شاهرا جشن شایانی گرفتند ولی
مستند حیات مات که طرد بعضی مفسدین از دربار
هایونی بود صورت بسته بود ، تا اینکه صبح شب ۲۹
شهر ربیع الثانی هموم رجال درباری از شاهزادگان
و وزرا و امرا و قاجاریه در منزل جناب عبداللله
متحصن شدند و بهین جهت اظهار کردند همراهی
خود را با مات و همان استدعا را از خاکبای هایونی
نمودند که نصفه دربار باشد

الحق هموم انجملها هم کمال همراهی را برور دادند
و جهت ضریبی در منزل جناب عبداللله جمع شد ،
این اجتماع خیلی محل ملاحظه بود ، علی هذا امروز
عصر که روز سه شنبه چهارم است از طرف قرین الشرف
هایونی بتوسط جناب عبداللله و جناب مشیر السلطنه
رئیس لوزرا دستخط صادر گردید ، مشمول کمال اظهار
همراهی و مهربانی نسبت به هموم مات و طرد تمام خائنین
امیر هادر خنک ، تاپثال روسی ، علی یک روسی ،
امین الملک پسر وزیر دربار ، صکه سابق وزیر جابا بود
مفاحر الملک ، موقر السلطنه جمال ، الحق بادشاه اسلام را
شایسته است مات از صمیم قلب دعاگو باشد ، و از
خداوند مسئلت نماید که همیشه قلب مبارک سلطنت
نسبت بر پایایی ضعیف خود که ودیعه پروردگار اند
روؤف و مهربان بوده باشد

این بود شرح تا امشب صکه مشغول عرض این
مختصر میشاشم ، اما اوضاع سرحدات را خود حضرت
عالی خوب تر و بهتر از بنده میدانید ، منک عظام در
این باب حیران است که اصلا خودم را راضی نه میکنم

وانح عمری وی در تقویم سنه جاریه جبل‌المتین موجود است و مشتاقین جمال بی مقاش رجوع بدان نمایند (نام نیکش زنده و جاوید است)

حاجه لایحه است که علمای قفقاز

خطاب بفرزاد علمای ایران نموده اند

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت ملا ذالام ایدم که تعالی - وجدان و شهود جنابالی در عکمه عدل الهی چنین اداسیه شهادت میکنند که برانی مملکت و مملکت مات ایران و پریشانی امور و تعدیات ناآنجایشک دیده اید و اطلاعات تاریخی شما گواهی میدهند هیچ وقت با اندازه وضع حاضر بوده و استلای گذشتگان هیچ وجه شباهتی بوضع گرفتاری امروزه ندارد

چشم و گوش خود را هر قدر بیوشاید بحال است بر این امت بچاره نرحم فرمائید و لیکن از نرحم سکت چه حاصل - در زمان چنین مصائب عامه نرحم امثال جنابالی چرا باید بی اثر به ماند - خواهید فرمود به تنهایی چه میتوان کرد - اولاً شما آنها نیستید (من کان الله کان الله معه) ثانیاً اگر هم آنها باشند فریضه اسلامیت شما این است که به تنهایی بتمام کار برآید - مقام امامت و پیشوائی امت تکالیف جنابالی معین میباشد - تکلیف امثال جنابالی در انخوف خطرناک حفظ ریضه اسلام و حمایت حوزه مسلمانان است - حواس شریف را در ضررهای جزئی مستغرق نمودن و از حفاظت کلیات چشم پوشیدن بدون تردید داعی و مستتبع زوال اسلام است - از تتبع اصول و فروع شریعت غمراه خوب میدانید که ترقی و سعادت هیچ ملت هرگز ممکن نبوده مگر اتفاق و اتفاق ملت در هیچ عصر صورت نمیگیرد مگر با اتفاق دایمان و علماء - فقر و ذات هیچ ملت مبدل به ثروت و سعادت نخواهد شد مگر با اتفاق و اتحاد علماء -

از برای آن فوات مکرم که بهمت عالی طالب نجات و احیای این امت هستید اوجب خدمت اینست که در میان این امت بانی اتحاد و اتفاق شوید - پس از تاسیس این اساس مقدس در تحصیل سعادت هیچ شبهه و تردید نداشته باشید (ان الله مع القین اتقوا والذین هم عنون الذین جاهدوا فینا لنهینهم سبائنا) توجهات ظاهری و

که از خاطر مخطور تند که البساذ باقی با این وضع سرحدات و این بی علمی کایه ایرانیان و این گفتات علمای اعلام و وزرای عظام و وکلای مجلس مقدس شورای ملی شهادت ارکانه استقلال مملکت و سلطنت شش هزار ساله ایران متزلزل است

خوب است که گاهی از سلامت خودتان و بعضی مواظف سودمند بنده خود را قربان اقتضای فرمائید آدرس خود را هم مرقوم فرمائید

مسام است شخص مقدس حضرت تعالی خود خوبتر و بهتر از هر کس میدانید که مزاج علیل مات ایران در حال مشروطیت و داشتن مجلس پیشتر محتاج است بشریتهای شافیه و اسخهای کافیه و تریاق گلات دربار آن حکیم فرزانه

زمان حال ملت است

ما بگفتار خوست خو کرده ایم

ما ز شیر حکمت تو خورده ایم

ای دوی نخوت و ناموس ما

ای تو افلاطون و جالینوس ما

البته ملت را در حال انتظار نگذارید - و چه

سوم را از ممکن گفتات بمسلم شهود در آورید -

ای ضیاءالحق حسام‌الدین بیار

این سوم دفتر که سفت شد سه بار (جمال‌الدین الحسینی)

جبل‌المتین

عکس خط ابن سید شهید جلیل در ادامه موجود است علت اینکه در مصیبت این دوست قدیم و شهید راه وطن زخمه سران کامل نه نموده بودیم بواسطه آن بود که از بعد حبش در عهدان خبر موثق نداشتیم تا اینکه خبر آوردند که مانند جد بزرگوارش موسی ابن حنفر در زندان مظفرالملک هارون صفت بسم جفا مقول گردید

بلی ابن سید جلیل القدر سی سال کامل در راه شریعت خدمت کرد و موعظه نمود و تا مسلماتها را مسلمان ساخت و طاقبت بدرجه رفیقه شهادت رسیده اگرچه ماذمه داریم که شرح خدمات این سید بزرگوار و سایر شهدای راه وطن را در راه دین و دولت و ملت اسلام مشروحا و مفصلا بنویسیم هیچ نباشد حق دوستی بسیاری از آن بزرگواران را ادا نمایم فعلاً همین قدر قناعت نموده میگویم که عکس این سید شهید و مخلص

باطنی حضرت امام عصر علیه السلام فرجه یقیناً همراه و مدد کار است. در این صورت از برای آن ذوات مکرم کدام مشکل است که آسان نشود. در هر جا و مقامیکه باشید باندک اهتمامی میتوانید جوی از مسلمین را دور خود جمع نموده مطابق قانون اسلامیت دعوت بآنجا نماید. استعلا بیکه ظلم چنانکه مشهور حضرت نعلیست روح دانش و پلش را در این ملک حلقه کرده و چشم و گوش مردم را کور و کر نموده است. فاسدان حقوق ملت اهل این خاکرا متحمل هر نوع ذلت و ستم نموده اند و بطوری طاعت داده اند که این پیچاره ها تصور بیک وضع دیگر را خارج از ممکنات میدانند. باید اول رفع این غفلت کوشید و باید عقول را بتدریج ملتفت این حقیقت ساخت که خدای عادل جل شانه این امت را از برای این دریای مذات نیافریده است و علاوه بر نوید های اخروی در همین دنیا نجات و آفره حق مسلمانان قرار داده ظالمان مملکت همه را با وبال افراض خود ساخته اند در مقام تصریح مصائب این زمان نکته را باید ذهنی مردم ساخت که دفع شر ظالمین در دست خود ملت است و ظهور این قدرت ممکن نیست مگر با اتفاق ملت. باید در هر گوشه و در هر مجلس و بر سر منبر هر زبان حالی کرد که امروز شرط ناگزیر بقای اسلام و اولین فریضه مسلمانان همان اتفاق ملت است. در اینوقت هیچجان امت و طوفان بلای ملی هر کس از اتفاق ملت خارج میشود با مسلمان و دشمن و مردود خدا و رسول است. اگر حقیقت این مطلب را بطوریکه باید بیان فرمائید ممکن نیست سکه قلوب بک مسلمانان با غیرت فی الفور طالب چنین اتفاق شوند.

باید هر طریق که ممکن شود هموم مردم را حالی کرد که آسایش مسلمین و زرق سعادت دنیا و آخرت ایشان موقوف بظهور دعوات مشروطه است، عدالت - مساوات - آسایش - امنیت - نجات از ظلم - آزادی از ستم، نشر احکام الهی، زوج شریعت مقدسه، و استحكام طریقه حقه انسا و نوره بظهور دولت مملکت مشروطه منوط و مربوط است و در ضمن کشف این معنی باید این مطلب را درست خاطر نشان هموم اهالی کرد که هیچیک از نجات دولت حقه مشروطه هرگز خود بخود

بروز و ظهور نخواهد کرد و فاسدین حقوق ملی آزا آسانی با نخواهند داد ظهور این آسایش رحمانی و این فیض سبحانی بهمانی و مجاهدات طامه مسلمین دائر خواهد بود. اگر جوی از پیچربان سوال کنند که دولت مشروطه یعنی چه، جواب و شرح این مسئله مستقیماً راجع به معرفت علماء اسلام است، علماء اسلام خدام مخصوص شریعت و محرمان اسرار سبحانی هستند و کلید خزائن معرفت و هدایت در دست مبارک ایشان است. در کشف حقایق ظلم اصل معنی را باید مردم همیشه از احوار هدایت ایشان اقتباس نمایند. امام زمان علیه السلام میفرمایند (قال قد جعلت حکماً علیکم) آنچه در این مسئله دولت مشروطه معلوم جهایان است و میتوان همه جا بدان تصریح نمود اینست که مکتوبات احکام شریعت و حقیقت او امر و نواهی مقدسه الهیه راجع بهمین دولت حقه است. مأموریت جمیع انبیاء علیهم السلام برای پیشرفت این مهم اعلی بوده است و در کتاب مقدس آسمانی ما صریحاً تصدیق این مهم است که فرموده است، مجاهدات الله اطهار همه وقت و همه جا در ظاهر و باطن مروج اصول این دولت حقه بوده است معاينة حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه از صرف دو مثال روغن بیت المال گواه صادق این مدعاست امروز مسلم هموم است که ایران آرام نخواهد گرفت مگر پس از استقرار دولت حقه مشروطه و حصول این سعادت ممکن نخواهد بود مگر با اتفاق و مجاهدت علمای اعلام. تمامی اولیاء علم هر زبان و بیان که باشد تا کید مینمایند که در این حالت محران این دولت اسلامی اولین فریضه هر مسلمانان است که تمامای همت خود مفوی اتفاق مسلمین شده بشهرت لوازمه استقرار دولت مشروطه فلاح و نجات مسلمانانرا فراهم آورد و لا با این غفلت - بی مبالان - عدم قدرت - بی هوئی - و عیاشی دولتیان خان غنریب محفول و منکوب اجانب خواهمند، این جهات رحمت دین و ایمان و ناموس اسلام و شوکت مسلمانانرا بطمع مواجب و مناصب نسیم رؤسای ظلم اخته دانست و خود خود را صرف اذیت خلائق و مداح هر نوع ردالت دیوان قرار داده اند. میدانید این نوع ظلم و ستمها که بر امت مرحومه وارد میاورند چندرها مغایر حقیقت اسلام و تا چه درجه

تانی احکام قرآن و منافی مصاحبت دولت اسلامیة ما
میشاند.

از اصلی مطالب دور نشویم چون اهالی ایران
از اخلاق منحوع بوده اند از فوائد آنها محروم و بی نصیب
مانده اند و هیچ بخیال ایشان نمیرسد که حکمت نماز
جماعت در اصول سنن اسلام یکی از معجزات اسلام
است. قنوحات اسلام همه از حسن استقامت در طریقه
اتفاق بوده میتوان ثابت کرد که ترقیات ملل خارجه از
میان همین ترقیات اجتهاد است که از اصول اسلام
الخذ نموده اند، بجهت احیای این ملت و حفظ استقلال
دولت اسلامی حکدام طاعات اوجب فرمائست غیر از
تربیت اخلاق ابدی راهی نخواهد یافت برای اثبات این
مدعا شاعدی قویتر از این واقعه حاضره نداریم که امروز
بقای کامرانی ظلم منحصر باین تدبیر شده که نگذارند
مردم از فوائد اتفاق آگاه شوند بنابر این اولین
فریضه شخص دیندار و اولین واجبات مسلمان اینست
که معنی و فوائد و لزوم اجتماع و اتفاق ملی و استرجاع
بدولت مشروطه ~~که~~ از متمدنات واجبه نجات دولت
اسلامی است هر تدبیر که باشد ب مردم حالی کنید و در
مغز و قلب این امت جای گیر سازید، امیدواریم که
شخص خانبهالی چنانکه منتضی مراتب عالی است برای
ادای این فریضه واجبه و خدمت بعالم اسلامیت هر مساعی
و مجاهداتی که در حیطه مقدرت خود دارد بعمل آورد
موفق و مؤید باشند انشاء الله تعالی والسلام علی من التبع
الهدی

(از داعیان اسلام هیئت اتحادیه طلاب و علماء قفقاز)

نقل از روزنامه شریف شمس منطبه اسلامبول

(شماره ۱۴)

الحبار نگار یادکوبه مینویسد که روز است منضم
الدوله بسمت سفارت بطرزبورخ وارد یادکوبه شده
اورا توقیف نموده ایم اهالی یادکوبه قفقای بترواسکی
ایروان کنجه باطوم بنساح تلقراف نمودند تا وقتیکه
قانون اساسی مشروطه را با همان شرایط سابق ندی
قونسولها را نماینده نشناخته واردات قونسولگریها را
توقیف خواهم نمود هنوز جواب نیامده ولی قونسول
خانهارا توقیف نمودیم هم منضم الدوله را نگاه داشته
او هم تلقرافی بطهران کرده هنوز جواب نیامده است

ایضاً میرزا علی محمد خان قونسول اسبق یادکوبه
قونسول ژانارالی اسلامبول تعیین شده بود بعد از
ورود یادکوبه مطلع شد که در اسلامبول قبول نخواهند
کرد رگشت به رشت

ایضاً مقتدرالملك قونسول گری جده و مصر آمده
بود، دانست که ملت نخواهند گذاشت بی خبر گریخت
به مصر مأمورین محمد علی میرزا را در هیچ جا قبول
نخواهند کرد خصوصاً در مصر که هموماً مشروطه
خواه و بر وضع طام به خوبی طلم میباشند

حبل المتین

آخرین اقدامات شرح پسندانه اهالی قفقاز (چنان
کنند بزرگان چه کرد باید کار) بحکم حجج سلام و
پشویان دین مبین واجب است همه مسلمانان خواه
در داخله و خواه در خارجه مأمورین اداره استبداد
را قبول نکنند و هیچ وجه مالیات ندهند این فرمان
برداری از آقایان بهر مسلم و مسلمه واجب و عکس
آن ضلال و گمراهی است چرا چنین چنانند این وجه
که هر اسم از ایشان گرفته می شود ناروت گلوله گرفته
تحویل لیاقوف میدهند ~~که~~ خانهای مسلمانانرا خراب
و زن و بچه را قتل و قارت نمایند پس مأمورین را
نباید مأمور دانست چرا مرایشانرا خارج از اسلام
میدانند باوجود این چطور شده که اهالی اسلامبول
قونسول را قبول کرده کافذها امضا میسازند چندی
بود به اداره مینوشتنند سفیر تلقراف ~~که~~ استغفای
خودرا خواست با ملت هم راه شده سبب چه شده
این جنگ و جدل بپیمان ملت افتاد، از چند نفر مفسد
که در تجمن سعادت پیش بندی نمی باید واضح است
مورث خرابیهای بسیار می شود بین اهالی خصوصاً
انجمن ها بر تمام ملت و مجاهدین بر مات واجب است
که از هر کجا دیدند تخم خباثت میروید از بیخ بر کنند،
منتظریم روزنامه شمس دفع شدن مفسدین را بنویسند
که برای هموم خصوصاً اداره حبل المتین خاطر جمعی
حاصل گردد

مکرر نوشته باز هم مینویسیم کل هر کس را نخورند
گرگ در لباس گوسفند داخل می شود که (گرگ
زاده گرگ شود - گرچه با آدمی زرگ شود)
در هر موقع هر کس بخاطر خواهی و ملاحظه دوستی

وای دهد حیانت بزرگ کرده است خاب مشروطه
 خاب شریعت است خاب شریعت کافر دین است فتوای
 پیشوایان دین ما که مکرر نوشته‌ام اگر مستبدین فاق
 بین اهل تبرز نینداخته بودند حالا تمام ایرانا احرار
 تصرف آورده بودند، همه میدانند دولت قوه مالبه
 ندارد سرباز جنگی ده فوج نمی تواند جمع آورد فقط
 کاری که دارد نفاق بیان مجاهدین بندازند و عوام را
 فریب دهند مستبدین تا امروز هم که بیاییم خود
 ایستاده اند نفاق بوده که بین مشروطین انداخته اند
 ازین و بعد باید ما هم نگذاریم مستبدین بر ما استیلا
 یا بند و راهش این است که منافق و مذذب و
 شارلمان و این‌وقت را در خود مان راه ندهیم
 ﴿ترجمه اردو ز نامه شریفه ترقی﴾

در ایران اقتشاش رفته رفته زیاد میشود اهالی
 دست و پا کم کرده یواش یواش بحال می آیند
 دست‌ها درست کرده انجمن‌ها برپا میکنند شاه و
 اجزای شاه سعی اند که آخرین نفس ملت هم بیرون نیاید
 طهرانیکه با ظلم و اعتساف مجبور بصر و سکون شده
 بود اینک از نودستی ز آستین بیرون آورده کار
 روانی مینمایند، عام جمعه خون و سادات بزدی از
 تسلیم و رضا قایدی رای مملکت ندیده و از بی ناموسی
 حکومت بتنگ آمده اهالی را در طهران بمقاله‌های
 آتشین بطرف مشروطیت تخریس و ترضیب میکنند
 يك قسمت از اهالی بهسارت های احلی رجوع کرده
 بجز از سفارت عثمانی مهان بواز وحالی پیدا نکرده‌اند
 حکومت بحریک اشعیای دور و برخود نسبت سفارت
 محترم عثمانی بی ادب آغاز کرده دور سفارت را قشون
 محاصره میکند لیکن مجرد پروتست نمانده عثمانی
 قشون عقب نشسته ولی شاه اعلان داده که تا متخصصین
 از سفارت بیرون نیابند مشروطه داده نخواهد شد
 رفته رفته حکومت سر رشته کار خود را بکلی گم
 میکنند شورش طهران اقتشاش خراسان موهبت
 ستارخان بی بولی و بی استعدادی خودشان المره حواس
 برایشان باقی نگذاشته است نظر مخبرهای موثق که با
 رسیده بآنکه استقراضی تا این اواخر روزانه بچهار
 تومان برای مخارج بشاه می داد بعد معلوم میشود که
 که حصه زیادی ازین پول را هم شاه ذخیره کرده و

حصه قابل ار آن خرج میشود لهذا حالا سه هزار تومان
 آن هم بیاکوف میدهد که با صد تومان از آن بدست خود
 شاه رسیده باقی توسط خود بیاکوف مصرف قشون و
 قزاق میشود باین لحاظ حکومت طهران خیلی دست
 تنگ است از هیچ جا دیناری میرسد يك پول طالبان
 نمیدهند دول خارجه هیچ نوع استقراضی و ضعی می شوند
 سفیر فوق العاده هم که بترسبرگ تهنای استقراض فرستاده
 بود جواب ناس شنیده طرفداران شاه یواش یواش
 متفرق می شوند من جمله سفیر اسلامبول و از رجال
 گیلان سهدار که معظم ترین مالی گیلان و مازندران
 است و نصف گیلان را مالک است اردولت روگردان
 شده چون میدانند که این ضد و اصرار حکومت
 ملت و مملکت را بچه قسم پرتکاه‌ها سوق می‌نماید

﴿سویه آذربایجان﴾

فدائیان شب بواسطه زردبان وارد شهر خلوص
 میشوند تمام طرفداران شاه را با پسر شجاع نظام
 مرندی دستگیر می سازند اهالی شهر يك شوق و
 عنایت خاصی ایشان را قبول می‌کنند
 در سلاطین هم فدان‌ها در طلب عزت الله خان
 ماکون هستند

صمد خان که از طرف شاه حاکم مرفه است تحمل
 حکومت وارد و سلیم خان چاردولی هم همراهی با
 مشار الیه دارد

سریضخانه که از جانب انجمن بلدیة تبریز تازه تأسیس
 شده رسم گشادش در کار شکوه بعمل آمد فاسل
 خارجه با سایر مال اجنبی با پذیرائی ستارخان و باقرخان
 حضور داشتند، شب را هم جرافان مفصلی کرده بودند
 رحیم خان رسیدن اردوگاه عین الدوله در نارنج که
 یکفرسجی تبریز است اخذ موقع نموده

دهات ارامدر مستبدین در قراجه داغ ظاهر مینمایند
 نظر به تبدیل افکار سفیر و اجزای سفارت
 اسلام بول شاه در خیال منزل آنها بوده برایهای مقیمین
 اسلامبول پروتست سعی نشاء کرده که اگر بنظر
 وقت نگیرد تمام مقیمین اسلامبول نسبت عثمانی را قبول
 خواهند نمود

صدرالعلماء با عیاض نظر از علمای و مجتهدین بزرگ
 سفارت عثمانی پناهنده شده قانون اساسی را میخواهند

حاضر میکند که بقریز سوق نماید عین الدوله از باسج حرکت نمیکند

روزنامه (اله وطن) که مخصوص به انجمن ایالتی است از قونسول روس در خواست نموده که رئیس (زاستاو) حلقا را عوض نموده مخابرات تلفونی راجع باخبارات تبریز بین مستخدمین راه شوسه موقوف شود رئیس (زاستاو) دره ویزوا صکه قائل است بدهد تا تحت محاکمه آورده شود

سلوک اهالی آذربایجان با اهالی خارجه

بطوریکه کرات نوشتم از ابتدای انقلاب ایران هم ملت بر این مصروف بوده است که ضرر و خسارتی بهال و جان خارجه وارد نیاید، وانگشته را فرض دمه ایرایت خود قرار داده اند، ولی چه بکنند بچاره ایرایم که بنسی از مأمورین خارجه بوظایف خود عمل نکرده این خیالات و اقدامات محبت کارانه ملت ایران را نتیجه میکنند (ژارسی) رئیس (زاستاو) راه شوسه و مخبرین روزنامه های روسیه علاوه بر افساد زیاد خبرهای کاذبه هم اشاعه میدهند که دولت متبوعه خودشان را دو چار مشکلات سازد چنانچه جنیدی قبل یکسفر از طرف انجمن ایالتی تبریز بجهت ارتباط رشته گسیخته تجارت بین روس و ایران بجلفا آمد همین شخص راپورت داد که مجاهدین آمده خیال دارند پل ارس را خراب کرده حمله بروسیه بیاورند بواسطه همین خبر بود که دولت روس مجبور شد يك عده قشون بسرحد سوق نماید و ضرر این سوق عسکر باید همین شخص کاتب معتن است، بجمداقه رؤسای قشون برای العین دیدند که این راپورت نکلی دروغ و بی اصل بوده تجار و اهالی جلفا سیات اعمال این مفید را بخاشین قفقاز نوشته و تبدیاش را خواستگار شده اند جواب شان هنوز نرسیده است

شرایط ملت خراسان

با حکومت خود

۵۷ ذیقعه بازاره باز و مردم مشغول کسب و کار خود شدند، چند عهد بین حکومت و اهالی بسته شده از آن جمله است ندانن طالبات تا حکم نابوی از آقایان محف اشرف برسد، وتشکیل انجمن ایالتی مرکب

مشروطه خواهان نظر محوب ندادن شاه بریضه آنها در باب اجرای قانون اساسی بسفارت های خارجه پناه برده سبمد نفر متجاوز دوسفارت عثمانی میباشد از سلباس خرم میدهند که عزت الله خان با باقی مانده قشون حدود یکتیره را قارت کرده است در ۲۵ نومبر یکدسته احرار مخوی وارد شده طرف داران شاه از قبال السلطه ماکوئی امداد خواسته اند بکمک احرار خوی هم از سلباس و بسلباس هم از ارومی می آیند

نظر بجهتیکه از حلفا به تبریز رسیده بجهت روس سالیان جلفا بدوهای روس از قونسول خود شکایت کرده اند که باوجود ضررهای بی دریغ که با آنها وارد می آید قوسل هم می نمیکند بواسطه این امر امروز در انجمن ایالتی تبریز مشغول مذاکرات هستند و اهالی قفقاز هم در آن مجلس شرکت دارند

با آخرین قطار ره آهن قفقاز دسته بزرگی از ارمینی و کرجی و سایر مال بجهت احرار تبریز بجلفا وارد شده به تبریز خواهند رفت

عده متحصنین سفارت عثمانی زیاد می شود در نزدیکی سفارت قشون ایستاده مانع اند که کسی دیگر با بجا برود

حکومت ایران بسفارت عثمانی بی معنی بودن محسن را اشاره نموده صدر اعظم ایران وکیل عثمانی را قبول بملاقات نکرده است

تخص سفارت عثمانی کم کم دوام پیدا می نماید جهتی از بخار هم بسفارت اطریش متحصن شده اند

میگویند شاه راضی است بمجلس حاضره در ناری امر ترتیب نظامنامه انتخابات وکلای مجلس ملی را بدهد ولی منتظر است که مردم ز سفارت بیرون بیایند بعد این امر را بدهد آننگویند که شاه را باین کار مجبور نمودند سفارت عثمانی از طرف ژردوام احاطه شده و از هر طرف راهش مسدود است

صدیق الحرم که از ملتی های ایران است بانجمن ایالتی تبریز خبر داده و استیذان خواسته که شانزده هزار قبضه قنک وارد تبریز نموده هشت هزار آرا تقسیم کرده هشت هزار دیگرش را بقیمت وارده بفروشد حاکم نازه مرافقه صمد خان شجاع الدوله قشون

از دست و عنت فر مردمان بیفرض بجهت تسویه هموم کارهای ایالت و شهری که حاکم بدون اجازه اینها اقدام بکاری نماید و . . و . .

دیروز شاه تلگرافاً خبر داده بود که مجلس منته در طهران دایر نموده و شعبه آن نیز هر ولایت خواهد رفت در حین خواندن تلگراف از مردم چهارم صبح خبری رخاسته خطیب را از منبر پائین کشیده تلگراف را پاره نموده و گفتند شاه اشتباه کرده اهالی ایران پارلمان و مشروطه اولیه خود را میخواهند نه مقننه . شهادت اهالی خراسان خوب پیدار شده با این همه عقیده بسیاری این است که خراسانیها گول خورده و تا وقتی که حکومت خود را نمانده دربار استبداد میداند نخواهد گذرد عمل مشروطیت ضحج بگیرد ، دولت امروز ناچار است و چون حکومت قوه مقاومت ندارد هر شرطیکه باو پیش شود قبول می نماید همینکه قوت حاصل کرد همان خواهد کرد که میکرد علاوه بر این امروز دولت میخواهد سوق اردو با دریا بجان کند با مجبوریه با اهالی خراسان دم از صلح و آشتی میزند خراسانیان هنوز با دانش نباید از این نکات دقیقه مخفات داشته باشند احکام حضرات آیات الله بحج اشرف که ز صد بخاور نموده هر يك از آنها را فیصله بن امر ناطق است . مجید حکم چه معنی دارد ؟ حکم ناوی برای چه ؟ اینها بیست مگر دفع الوقت و گول مات کردن و در احم نمودن استعد کافی برای سرکوب مخالفین خود اگر چه در احم آوردن قوت برای دولت تا وضع حاله ایران بحال است ولی مات نباید گول بخورد و چنین موقع غنیمت را از دست دهد

ترجمه روزنامه صباح

روزنامه (صبح) که بهترین جراند ترکی و از نتایج افکار و زکماست مینویسد شاه در دهرت فلاکت برای خود و خانواده خویش ابرام و اصرار دارد و این همه عناد میبورد و لسی که قدر آزادی و نتایج حسنه مشروطات را بداند و ملت و مملکت را فدای اغراض شخصی خود نماید خان اسایتنش باید خواهد

دولت فلان روس . انگلیس . آلمان در ایران

روایه های پرتسبرگ مینویسند روس و انگلیس مشغول ترتیب و تنظیم نقشه تشبثات سیاسی در ایران

میداشند مانگ استقراضی روس در طهران تبدیل برانگ روس و انگلیس خواهد شد و وسعت زیادی و داده خواهد شد ، وسادات شک مذکور چپ خواهد گردید در تمام آسیا و اروپ و بعضی شهرهای عنای هم شعبه ازین شک خواهند گذارد این مانگ تجارت شرق روس و انگلیس را خدمات بزرگ خواهد کرد ، علاوه از بحر خزر الی خلیج فارس راه آهن خواهد کشید و دو ایستگاه عظیم نیز در این دو موقع تعمیر خواهد شد اگر این تشبثات عظیمه از قوه فعلی آید فی الواقع زحمات آلمان را تماماً بر نتیجه خواهد گذاشت و راه آهن بغداد هم از اهمیت خواهد افتاد

جبل المین

بمقیده سیاسیون شرکت مالی روس و انگلیس نقشه سیاسی و تجاری تمام آسیا را زیر و بالا خواهد نمود دولت روس از زمان ناصرالدین شاه امتیاز تقدم حق در تعمیر راه آهن ایران حاصل نموده بدین معنی که اگر دولت ایران بخواهد امتیاز تعمیر راه آهن را بخارجه دهد با هر شرایطی که دیگران قبول نمایند اگر دولت روس همان شرایط را بپذیرد روس بر سایرین مقدم خواهد بود . و مع عدم این تقدم حق روس تا دسمبر ۱۹۰۹ که یازده ماه دیگر باشد ختم خواهد شد ظاهر است که عمده سبب اتحاد انگلیس با روس در وسط آید جلوگیری از اقتصاد سیاسی آلمان است ، سیاسیون آلمان از حرکات پلنیکانه رقیب خود واقف شده در دست و پانده جناح مشهور و فریب پنیاسها هست که آلمان درین موقع نازک نباید مالی شاه نموده و محرمانه سندی حاصل کرده که پس از ختم قرارداد تقدم حق روس را سایرین در تعمیر راه آهن ایران آن تقدم حق با آلمان باشد این است که نکاس مهم بدست و پا فاده سعی اند که قبل از ختم قرارداد تقدم حق روس قدم بکار نمایند که دست آلمان در وسط آسیا کوتاه شود ، و چون مالیه روس امر از خارجه رنجین اقدامی نمیکند بشکت مالی در بانک روس سالی شده شاید بر گوی را از میدان رقیب برابند بن نکته روس پیدا د که بزرگترین میدان قابل است . بیرون و با فملاً بر . میباشد ، و جمیع باید است درنگ بر سر بن مع شطرنجی مشغول به بازی اند افسوس که ایرانیها خوب

و یا قافلند ورنه میتوانند درین مباح هم استیلا
خود را حفظ کنند و هم فایده حاصل نمایند بی تمام
این خرابیها - کاتبه این افشاشات - و جهت این جور
دربها و هب و قارت ها اثر همین رقابت است و ما
براسطه آشنائی بعالم سیاست و عدم اعتماد بمعجزات
پلتیک بکردن این و آن بی اداریم دولتی روس
و انگلیس اصلاحاتی که بین خود برای ایران معین نموده
مبنی بر همین رقابت است و تشبیهات سیاسی سری هم
از طرفین خلیج می شود و در خلیج هم بزودی یک
رنگ آزه پیش خواهد آمد و گویا نمایندگی انگلیس هم
که درین موسم از بوشهر به کلکته آمده برای اخذ
دستور العمل شفاهی باشد و بهیچ وجه نمیتوان گفت
حرکتی بغیر اراده نموده باشد

حرف این است که این کشمکش رقابتی تا دربار
در ایران خواهد بود، و ایرانیان را در فشار خواهد
داشت، گمان نمیرود که اصلاحات روس و انگلیس سهوا
در ایران موقع اجرا آید ولو اینکه پیش ازینهم خرابی
باید بملک و ملت شود

اما راه آهن خلیج فارس تا خلیج فارس
امتیاز بهیچ دولت تا کنون داده نشده و فرض هم که
بخارجه چنین امتیازی داده شود در شرایطش بین این
دو رقیب زد و خورد زیاد تواند شد، و ایرانیان اگر
هوشیار باشند میتوانند منافع عظیمه ازین زد و خورد
و قبا حاصل کنند، در هر صورت صرفه ایرانیان
درین است که نه خود را مست بسته تسلیم روس و
انگلیس نمایند و نه مطلع و منفاد آفات شوند،
استقراض از خارجه و قبول مفتش عالی یا مصلحت
گذار خارجی ولو آنکه دارای صد بارلسام باشد
صورت مصر و بخارا را اسب خواهیم نمود

ملاقات و قایع نگاران جراید شاهزاده

(سالارالدوله در ورشو)

اجبارت مذکور می نویسد - شاهزاده در نهایت
درجه زیبا و منبول است در جنب صحبت نزاکت و
تربیه اش طرف مقابل را اثر خوبی می بخشد لباسش
آخرین وضع اروپ و کلامش همان کلاه ملی ایران است،
در جنب صحبت کلامش را گاهی ردائش گاهی بسر
میگذارد، در باب حال حاضر ایران چنین میگوید

از اینکه در سایه مشروطیت وطم نایل به همگونه
رقه و سعادت خواهد شد مطمئنم، در همه جا بحیث
طلب مشروطیت و اجراء قانون اساسی مطلقا انقلاب
از لوازم است، و با دلایل آریخی ثابت شده که این
طدت طبیعی از محالک متمدن فراسه و انگلیس هم
ازاله شده، ما بود آسیای و از نزدیکان خانواده سلطنت
یکتفر حریت خواه در مقابل شما ایستاده و حریت
خواه بودنم را با چند کله بشا حالی خواهم کرد
میگیرم که من با اقرای نزدیکم ۱۵ تقریم اهالی ایران
هم فرض میکنم بازده ملیوت اختیار تمام اینها با
ما ۱۵ نفر باشد در آن حال من مجبورم که ا خودم
محکم بایم، حضرت حق که طرفدار عدل و داد است
بطور واضی میشود که این بازده مایون نفوس شریفه
تابع امر و اختیار کور کورانه ما ۱۵ نفر باشند و مانند
غلامان اسیر با آنها رفتار نایم پس اگر من اعتقاد
ن دارم باینکه باید بذلیل یک قومی راضی نباشم
همه همین است که من ترک وطن و دیار و افوام
ستمکار خود را کرده در محالک خارجه بسر می برم
بجهت سعادت وطم از حیات و بدل جان و مال ذره
کوتهی ندارم

از پرسش احتمال مداخله اخنی را پرسیده چنین
جواب داد

اگر روس یکمفرزه عسکر بایران سوق یابد
انگلیس هو مقابل و غنای سه مقابل خواهد فرستاد
از اقامت پرس در (ورشو) سوال شد اظهار داشت
« میخواستم مسکو و ریفا را هم نمانش نایم بعد
بپاریس بروم، لکن این آرزو های من تابع احوال
ایران است تا چه رنگی کسب نماید »

حبل للذین

چه قدر متناقضت دارد تقریر این شاه زاده با
تقریرات شاهزاده ظل السلطان ولو اینکه هر دو زبان هم
باشد و چه قدر مغایرت داشت خیالات ملت ایران در
حق این دو شاهزاده آری هنوز برده های بسیار است
که باید در ایران بالا رود

اطلق مسیو اسوالسی وزیر خارجه روس

(در دوما رجیع بایران)

منصود پتیکما در راه ایران نگاهداری همان دو-وق

خدی و محافظه منافع تجارتي است بخصوص در ولایات
شمال ایران که تجارت روس کمال ترقی را دارد
هم زدن استقلال ایران و با مداخله بکارهای
داخلی آن ابدأ در فکر ما نیست ، و لیکن از طرف
دیگر تا آخرین درجه برای ما لازم است که در ایران
سیاسی محکم و استقلال با قاعده برپا شود ، در سر همین
مسائل با دولت انگلیس اختلاف عمده در کارهای
راحم بایران با انگلیس متفقاً اقدام خواهیم کرد ، و از
هرگونه مداخلات باور داخلی او کتاره خواهیم بود
دولت روس و انگلیس بواسطه زیادی علاقه سیاسی و
تجارتی در ایران همیشه کک کردن و توسعه نمودن
را فرض ذمه خود میدانند ، و از هرگونه طمع دور
اند ، امید است با این توسیهها مشکلات دور دراز
ایران بزودی حل شود

خلاصی ایران از این حال بحیثه ما خیلی لازم است
چون تخی این احوال در محاسبه نزدیک آذربایجان
محسوس است در قاطبیک کارهای ما و تجارت و تبعه
ما خیلی ضرر می بینند ندایی که از دست ما بیاید با
دولت انگلیس اقدام خواهیم نمود ، این اختلاف که با انگلیس
نمودیم طاراً دو خدمت بزرگ نمود ، اولاً در انصای شرقی
پلتیک ما را محکم کرد ، ثانیاً جمهوری که در مداخله
بکارهای داخلی ایران داشتیم از ما برداشت

حبل المنین

این نطق نتیجه محاربات شفاهی مسیو اسرائلسکی
وزیر خارجه روس است با سرادوردگری وزیر خارجه
انگلیس در لندن ، و قرار و مدار تازه هم که در
جلوگیری آلمان در وسط آسیا بین دولین روس و انگلیس
داده شده و اصلاحات تازه هم که مسیو (اسوالسکی) بسفر
انگلیس در معاملات ایران پیش نموده ، یعنی بر همان
قرار داد است ، در هر صورت خواه بواسطه خلوص
نیت روس یا ملاحظه دوستی با انگلیس یا جلوگیری
آلمان باشد باید اطمینان نمود که روسها در امور
داخله ایران جراً تصرف نخواهند کرد یا نمیتوانند
بکنند ، ایرانیان امروز باید از مداخله جبری خارجه
مطمن شده با کمال قوت قلب دفع فاسدین حقوق ملی
خود را به نمایند و این موقع را خیلی غنیمت شمرند و
بهمچوجه فریب پلتیک اجاب و زبان لین و کلمات دل
جوش کن آنها را نخورند

فتح جدید احرار آذربایجان

و شکست لشکر استبداد
بعد از انتشار اردوی عین الدوله ، صمدخان شجاع
الدوله حاکم (مرافه) که بقیده مستبدین بهترین تیر در
ترکشی استبداد بود و او شد و اشجع از همکثان
شیانته می شد فتح تبریز و تدخیر آذربایجان را دو

طلب گردید ، و باندارکی شایان و فراموشی بلیغ جنیدی
قبل وارد (مرافه) شده شهر را متصرف و انجمن ولایتی
را ویران و رئیس مشروطین را بچاه افکنده و سپس
بدار کشید و ظلم و ستم را از درجه اعتدال گذرانید
و از طهرانهم اقواج چند و از اطراف آذربایجانهم
سوار و پیاده زیاد باو ملحق شد ، مدواً مرکز اردوی
خلویش را مرافه قرار داد و توپخانه دوم و قورخانه
و ذخیره بسیار هم باو رسید ، با یازده هزار سواره و
پیاده از اوائل ذیحجه بحساب تبریز حرکت نمود و
مانند سابقین از افسران شاهی دهات و قصبات بین
راه را قاتل نموده کم کم خود را باطراف تبریز رسانید
ده روز قبل طر محاصره تبریز را روز اشاعت داد ،
ولی نتیجه این جنگ و چگونگی این محاصره معلوم نبود
با اینکه ما نظر باطلاعیکی از قوت احرار داشته مطمئن
بودیم که ازین اردوی مرعوب صمد خان مغرور زیانی
بحریت حوهران تبریز نتواند رسیده ولی بازم تا درجه
نگران بودیم تا اینکه یوم جمعه ۲۸ دی - صبحه از انجمن
مبارک سعادت اسلامبول تلگرافاً بشارت فتح و فیروزی
احرار بموجب ذیل رسید

(کاکته - اداره حبل المنین)

احرار قالب - صمد خان مغلوب گردید (انجمن
سعادت)
شرح این فیروز مندی و واقعات جنگ را در آیه
خواهم نگاشت

تأسف

بموجب خبر تاگرافی (بزد) آقا خسرو رئیس کل
ادارجات تجارتي جهانیاں پانزدهم ذیحجه در بزد این
دارقانی را وداع و عالم جاودانی روحانیت پیوست
در سابع همت این بکه مرد اداره سات جهانیاں
خدمات نمایان به هجرت ایران نموده و می بایند ، آقا
خسرو مردی سلیم النفس نوع خواه و ترقی جوی وطن
هنوز خود نبود ، صدمایکه درسی دو ساله اخیر در نزد
و طهران از قتلهای بی رحمانه اقربا و بستگان مان
رسید مورت صدمات روحی وی گردید
اداره حبل المنین متأسفانه ممدردی و تألم خود را
به تمام رؤساء ادارجات جهانیاں خاصه شبیهه میثلی تقدیم
و بقا و ترقی ادارجات جهانیاں را خواستگار است و باین
حمله آنها را تسلیمت میکوید

(هر آنکس ادرین دیای دون شهاد پای خود)
(بخوان ریح و محنت یک دو روزی میسپان آمد)

لارستان

(وقایع نگار مخصوص اداره)
(۱۴ ذی - صبحه ۱۳۲۶)
حضرت مستطاب آقا سید عبدالحسین از هرطرف

دست بالا را حاصل نموده. همراهان ایشان چهار نوبت با اردوی دولتی جنگ کرده. و در هر میدان فتح نمایان نموده اند. و در آخرین وقته تمام قوای دولت را مضمحل ساخت. و غنیمت زیاد از قورخانه و فنک و سورات گرفته. از چهار طرف بار دوگاه حضرت آقا می پیوستند. امروز میتوان گفت که مشروطیین جنوب از غلبه مستبدین مأیوس میباشند. تمام لارستان و سیستان و کوهستان و حرم از لوث وجود مستبدین پاک شده. در جنگ آخرین پسرهای قوام خود شرکت داشته و شکست یافته آمده افواه است که سالارالاطان هم قتل رسیده است حضرت آقا سه اردو تربیت داده که یکی بطرف داراب و شیراز و دیگری به نادر لنجه و عباسی حرکت کرده اند و خود حضرت آقا در مرکز که ملاً (لار) است توقف دارد

اگر چه تجار محترم لارستان و پیروان گرمسیری حضرت آقا همه قسم همراهی عالی تاکنون نموده و خواهند نمود ولی ظاهر است که برای چنین امری سرمایه کافی لازم است. لذا در تجار محترم هموماً خاصه لارها که از پیروان حضرت مستطاب آقا میباشند لازم است عطف توحشی باین طرف هم نموده برای محافظه وطن اسلامی خود اندکی دست در کبسه های قوت خود بکنند. و درین موقع نازک اسلام خواهی و وطن پرستی خویش را بر طایف آشکار سازند آنچه از پیشرفت کارها ظاهر می شود عنقریب کار لارستان خیلی بالا خواهد گرفت و حضرت مستطاب آقا تمام خطه فارس و سه اهل را قبضه خواهد نمود. دیری نخواهد گذشت که خبر ما بوسی مسرت آمیز از جنوب مانند شمال اداره حبل المتین خواهد رسید

ترجمه از حراند خارجه

(روح تلگراف عجم جنوری ۱۹۰۹)

در طهران اوضاع حاضر. خیلی محل اندیشه گردیده بازارها بسته در داخله شهر نزاع و غلام بوق الداده زیاد کرده اند. خبرها اینک از ولایات میرسد خیلی موحش است. حرکات احرارانه اهالی استراماد رفته رفته توسعه عظیم پیدا کرده در مشهد نیز آن اختلال دوباره بالا گرفته در رشت ارسد متجاوز تجار و محترمین به سلطانه های مشاهده شده اند. حکومت در ادعای بیرون آوردن آنها با قوه جبره تهدید میکند خلاصه اوضاع بران خیلی مختل است و عنقریب خیلی کسب اهمیت خواهد کرد

مخبر روزنامه (ن ر) از تبریز خبر میدهد که ستارخان سوالی از انجمن یاتی کرده جواب آن تحت مذاکره است سوال معظم که این است

از فرایض طاست که از (باحتیاط) فونسول روس سوال مایم که اگر بالکونیک (باکوف) در میان دعوائی که بین مشروطیین و طرفداران استبداد

اتفاق می افتد کشته شود آیا آذربایجانی ها مسئول هستند یا خیر؟ تمام وکلای انجمن نارای ستارخان اتفاق کرده و قرار شد که از فونسول این سوال را نموده جواب بگیرند. و اگر از جواب امتناع نمود در حفظ جان بالکونیک لباکوف لازمه معاونت از طرف مشروطیین بعمل آید. خود ستارخان ضحاکت میکند که تار و پود از لباکوف کم نشود

§ سفارت عثمانی از طهران بهیبت متحصنین ایرانی تلگراف تبریک بمجلس مبعوثان کرده قرائت شد

§ یکی از خبرهای مخصوص (صباح) می نویسد در باب محاصره سفارت عثمانی در طهران با ناظر امور خارجه ملاقات کرده این قسم جواب داد که سفارت عثمانی محصور نشده بلکه بنا بکثرت ملتهبی ها بجهت حفظ سفارت مکر گذاشته شده بود. آهم بنا بدستور العملی که از این جا داده شد نمانده عثمانی پروتست کرده مگر از دور سفارت دور گردید. ناظر خارجه اظهار کرده بود که بطور تحقیق عده بناهندگان سفارت معلوم نیست ولی از چهار صد خیلی متجاوز است

§ روزنامه (لارک مینویسد) نظر بخبر رسمی که گرفته ایم شاه از باغ شاه در خیال حرکت و گفتگوست که از سمت شیراز و خلیج صره و راه بغداد بهمانی عبور نماید اقامت او در بغداد درست معلوم نیست

§ - واحد بحر خزر و تمام آذربایجان در تصرف احرار آمده و در حرکت بسمت طهران فعالیت بزرگی نشان میدهند. امروز صبح بار جمعیت کثیری در طهران سفارت عثمانی بناهنده شدند تا حال خالی باقطاعات شهر طهران وارد نیامده است

§ شاه زیاده از اندازه از التجای مردم سفارات متعیر است. مع طافیه امید می رود که وسیله دولت روس و انگلیس را امور و فرها قبول نماید. ولی چنان معلوم میشود که مشروطیین از طرف دولین انگلیس و روس باین سخنان نرم دل خوش کن اغفال می شوند

§ سفارت اطریش هم خاتمه جنب سعادت خود احاره کرده قریب شصت نفر حریت خواهان را حایت میکند

§ از طهران بروز نامه (لوقال ایچایکر) تلگرافاً اشعار شده که شاه در جواب اعتراضات دولین روس و انگلیس اجرای قانون اساسی را تسلیم کرده مشروطیت بیرون آمدن بناهندگان سفارات و قول داده که ابداً با آنها اذیت و آزار نرساند در اوایل شباط هم انتخابات را اعلان نماید

§ از پاریس خبر میدهند که ملتهبی های سفارتخانه ها تا اعلان افتتاح پارلمان نشود بیرون نخواهند آمد. و شاه هم تا ملتهبی ها بیرون نیایند همچون اعلان نخواهد داد

§ بموجب خبر پترزبرگ حکام مرافه (محمد خان

تلاکرات روتر راجع ایران

(۱۸ جنوری ۱۹۰۹)

بر حسب تلگرافیکه از پترسبرگ رسیده دولتبان
مجدداً شهر تبریز را در محاصره آورده اند

جبل‌الین

این حرکت مذبح یا محاصره موعوم از جانب
اردوی دولتی بسرمداری سمدخان شجاع‌الدوله حاکم
(مراغه) بود که نزد شاه دوطبق تسخیر تبریز شده بود
شکست مشارالیه را در تلگراف مخصوص اداره
نوشته ایم، و در تلگراف ۲۳ جنوری روتر هم اشارة
به شکست او شده است

خبر روتر از پترسبرگ خار میدهد که مسیو
(اسوالسکی) وزیر خارجه روس در مراسم روسی که
به (سرای نیوکس) سفیر انگلیس در پترسبرگ پیش آورده
اظهار داشته که دوایتین روس و انگلیس توأم باید بشاه
حالی نمایند که اجرای قانون اساسی مشروطیت در ایران
اشد ضرورت است و شالوده آن بر اساس محکم و متین
باید باشد، و او خیال میکند که دادن یک قرضه
بدولت ایران هم لازم است، چه واسطه خالی بودن
خزانه اوضاع ایران خیلی ابر و خراب شده است
مشارالیه میگوید مسئله استقرار چیزیت که شاه
را مجبور می نماید در قبول تکالیف دولتین روس و
انگلیس برای سلطنت مشروطه که بتواند از او استفاده
باید، ولی در استحکام و انتظام امور و نیز براساس
اطمینان قرض دهندگان لازم است که بماندگان آنها بطور
مشاور و مصاحبت گذر در کارها نگرانی داشته باشند
روز نامه (رج) می نویسد که دولت انگلیس
نیز بر عناوین این ورقه صدیق دارد

جبل‌الین

مضرترین امور برای استقلال و آزادی ایران
مطالبی است که مسیو (اسوالسکی) پیش کرده، چه
از قبل مشروطیت دولتین روس و انگلیس عهد بودند
که قرضه توأم ایران داده، و مفسدین طایفه خود را بر
طبقات ملکی بگذارند دولت راضی بود و حال هم هست
فقط ملت روبرو رفت، چنانچه مکات نوشته ایم آن همه
بلائی که برسر ملت آمد بواسطه همین بوده، حال هم در برده
دیگر همان نقشه را پیش می نمایند، نامش اینست که ما میخواهیم
مداخلت هر امور داخله ما را بماند بزرگترین مدخانی
خود را پیش می نمایند، و نام حفظ استقلال ایران
میخواهند بزرگترین نقشه را برایشه استقلال ما بزنند، مسلماً
قبول این سرانگیزه مذکوره سبب استقلال ایران راضی شدن
است، ایرانیان راست که از (مصر) و (مخار) صورت گرفته
هیچگونه راضی باینگونه اصلاحات نشود، اما دولتبان
آنچه را روس و انگلیس بگویند حاضر در قبول آید و
میتوان گفت قبل از وقت قبول کرده اند، ملت باید

شجاع الدوله (انجمن (مراغه) را بهم زد و رئیس
حرار آنجا را بعد از کتک کاری زیاد بجای انداخته
سپس بیرون آورده مصلوب ساخته و تمام اعضاء انجمن
را هم بزنجیر کشیده است

ترجیه روزنامه اقدام دم ذیحجه

امروز تجارت خانه های طهران تماماً بسته فردا
احتمال می رود که بازارها بکلی بند شود، ارکان
استبداد مشغول باشند و کوشش دارند که مسامحه احرار
را بیفایده بگذارند، چنانکه ماه قبل گذاردند
شاه جواهرات شخصی خود را بیسایک روس
رهن گذاشت ۱۱، و بازده هزار لیرا قرض نموده
بمصارف مستحبه خود برساند

از پترسبرگ بطمس خبر رسیده که برای سفارت
طهران موسیو (بوگله ویسکی) معین شده این شخص
در مرقع انگلیس، خیلی معروف است، بشاه علیه نظر
بگفته مسیو (اسوالسکی) وزیر خارجه روس تقویه
ائتلاف روس و انگلیس با اقدامات این شخص مأمول است
برای نظر خواهی شاه (لیاکوف) که مشاق قزاق است
بروسیه از طرف دولت روس جلب خواهد شد، و همیشه
در طهران خواهد ماند، شاه حفظ جان خویش را
بوجود این شخص بسته میداند، این نکته هم از روسیه
اشاره شده است که (ایاکوف) از خدمت روسیه
یکدفعه معاف گردیده، دیگر در روسیه جزو مستخدمین
نظامی شناخته نخواهد شد، (همین را باید جواب سوال
ستار خان دانست یعنی ایاکوف ازین و بعد بسته بدولت
روس نیست هرگاه خطا کند سزا خواهد یافت)

بموجب تلگراف که سی ام دسمبر از طهران
بلندن رسیده در خانه مجتهد طهران (شیخ فضل الله)
اعتقاد انجمنی شده و قطعاً فیصله کرده است که قوانین
مشروطیت مخالف با قرآن است

اعتقاد مجلس پارلمان این ایام در طهران خیلی
موضوع بحث است برای آنکه شاه چندان خود را ملزم
نسازد حکم داده است که فردا یک مجلس عمومی منعقد
شده این مسئله را قطعی فیصله نمایند، و آنچه فیصل
یافت حتماً بر طبق آن عمل شود پلیس و سربازان زیاد
برای حفظ امنیت شهر مقرر شده اند

ایلیخان بختیاری مصمص الملک که از طرفداران
شاه بود بطهران طلب شد بتتاً برخلاف حکم شاه
بطرف جنوب حرکت نمود و ضمناً دعوات و شهرهای
جلو راه را تسخیر میکند

اقبال السلطنه مالکون در جواب تلگراف شاه که حکم
یافته بود با سواران خود حمله به تبریز نماید اظهار
داشته، که چون اهالی سوختجات تحت حکم او خود اظهار
مشروطه خواهی میکنند خودش دچار فشار عظیم
گردیده و ازین رو از عین الدوله کمک خواسته است

بیگناهان ریخته استبداد را محکم میکند و جلوگیری از آزادی و حریت ایران می نماید و در برادری آن خطه کوشان است

وزیر خارجه جواب داد که مطالب لازم است که باسلطه های متحده خودمان همراهی نموده در قوت و اقتدار آنها هم قسم همراهی نمایم و آنچه دولتین روس و انگلیس درباره ایران می نمایند میباید بر سقلال و صلاح و صرفه ایران است. سپس بر این پروتست رأی گرفته شد در برابر یکصد و چهار رأی چهارصد و سی رأی حاصل شد ازین رو پروتست حامیان حریت مرقع گردید

حبل المتین

قدر و قیمت پروتست خواهان فرانس را سیاسیون یا دانشریکو میدانند، این پروتست فقط برای تأدیب و تنبیه روسیان بود که بدانند خیالات فاسده آنها بر طالبان پوشیده نیست، حق ما هم که با آنها منفق و متعهد اند حرکات مستبدانه و ظلمهای وحشیانه را در حق یک ملت حریت خواه نمی پسندد و گوارا می کند ما از جانب عموم مشروطیین ایران ازین همدردی ذقیمت حریت پرورانه حریت خواهان فرانسه عرض تشکر تقدیم می نمایم - آری

- (خی آدم اعضای یکدیگر اند)
- (که در آفرینش ز یک گوهر اند)
- (چه عضوی بدرد آورد روزگار)
- (دگر عضوها را باید فرسار)
- (۲۳ جنوری ۱۹۰۹)

خبر روتر از طهران خبر میدهد که بموجب اخباراتی که از جنوب ایران رسیده قتل و قارت و جنگهای طایفه تمام راه ها را مسدود نموده است و بخارات بین پوشهر و شیراز بالمره بند است مشروطیین در لارستان تحت لوایه حضرت مستطاب آقا سید عبدالحسین جنید فعالیت نامه قلبه و اقتدارات شاه را سلب نموده اند. دولتیان مجدداً از نواح تبریز پراکنده شدند (اشاره به شکست سعد خان است)

انجمن های ملی لاهیجان (یکی ارشهر های گیلان است) و (استراباد) ترك نموده اند اطاعت دولت مستبدانه را

استدعای مخصوص

(از انجمن محترم وطن خواهان ایران) چند خط باداره رسیده خواهش کرده اند که فهرست معاونین بمبنی به مصیبت زندگان تبریز را اشاعت دهیم، و ما منتظریم که فهرست رسمی از انجمن محترم برسد و اگر نرسید در شماره ۲۸ همان فهرستی که ترا ما موجود است اشاعت خواهیم داد

وزیر این بار تنگ ترفته بدست خود زنجیر اسارت اجانب را نکردن طویش نیندازد

(۱۹ جنوری)

خبر روتر از طهران خبر میدهد که وزیر خارجه (سعد لوله) استیضاح نموده و تحت ضرورت دانسته است که کارهای دولتی در تحت یک قائده قانونی در آید ازین رو شورشی که هر سه هفته یک بوقت منعقد شود لازم دانسته که در معاملات مهمه تحت باید

(۲۵ جنوری)

روزنامه طمس امروز در مقاله خاص خود عنوان مفصل خیلی برفوتی نوشته میگوید که وضع ایران اسباب خوف و دهشت شده برای همسایگان متمدن او شاه اگر به تصاح دولتین روس و انگلیس عمل نه نماید باید او را قسمت و تقدیر خودش واگذاشت هیچگونه تأیید مالی نادر نخواهد شد جز شریط بسیار سخت که من جمله افتتاح پارلمان قدیم و اجرای قانون اساسی و ترتیب صحیح بودجه مالمه است و این امر ممتظر خواهد بود که برای اطمینان در انجمن این امور یک گروه نگرانی خارجه هم باید منظور شود

حبل المتین

با قاطع عتاف مطالب این تلگراف عین تلگراف روتر است که از پترسبرگ داده و در بالا ذکر کردیم ازین تلگراف معلوم می شود که دولت انگلیس درین قضا باروس منفق است ابرایها همان جمله اول را طواستکار اند یعنی شاه را به تقدیر خودش وا گذارند و قرض میخواستند و به نگرانی خارجه را طالب اند تمام این نازها برای اقتصاد کاهرنس است که شرحش را در مقاله مخصوص نوشته ایم

(۲۶ جنوری)

در ادارات دولتی روس شهرت دارد که عنبریب دو پترسبرگ کلهرسی مرکب از پانصدگان دولتین روس و انگلیس و وکلای شاه و مشروطیین منعقد خواهد شد و غور و مشوره خواهند نمود در امنیت ایران با اصول سهله و پادشاه ایران بزارژ دفر روس اطمینان داده است که در اداره نظامی ایران برای تعلیم و خدمت از خارجیان جز افسران روسی دیگری مستخدم نخواهد شد

همدردی حامیان حریت فرانسه

(از مشروطیین ایران)

بحسب تلگرافیکه ۲۲ جنوری (روتر) اشاعت داده در مجلس ملی فرانسه فرقه حامیان حریت در عاده تأییدات دولت فرانسه با استقراض جدید روس سخت پروتست شده و اظهار داشته اند که خیلی مقام تأسف است که فرانسه تأیید با استقراضی میکند که ملیونها از آن وجه صرف اشخاصی می شود که ظالم صریح می نماید و قتل

چوبالین کلکتہ
مدیکل کالج استریٹ نمبر ۴

و کلا فمہ دار اوبجات مشترکین اند
بدل اوبہ اطار پشکی کرفہ میشود

قیمت اشتراک
سالانہ --- شش ماہہ

Habibul Matine Off
6 Mal College St.
CALCUTTA.

نامہ مقدسہ

ہند و برص

کلیہ اور ادارہ با

دبرکل مؤیدالاسلام ست

سر دوشنبہ طبع

سہ شنبہ توزیع میشود

یوم دوشنبہ

المبتدیان

۱۶ محرم الحرام ۱۳۲۷ ہجری

۳۰ ۱ ۱۶ نک

۱۲ روپیہ --- ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۲۰ فران --- ۲۵ فران

عثمانی و مصر

۵ عہدی - ۳ عہدی

روپا و چہ

۳۰ ۱ ۱۶ نک

عظمت اجورنا و اجور کم بصاب
سیدنا و مولانا ابی عبداللہ الحسین علیہ السلام
تزیہ داری شیدیان کلکتہ

تزیہ خانہ های کلکتہ در عشا اول محرم و حسب
معمول سنوی خود مشغول ہوا دری و سوگواری
و دہدہ صبح در تزیہ خانہ مرحوم میرزا احمد حراسانی
و ظہر در مسجد ایرانیان . و عصر در حسینیہ مرحوم
حاجی محمد جعفر اصفہانی . و مرحوم حکیم سید محمد
سجاد و شب در حسینیہ گول کوٹی و کربلائی محمدخان
مرحوم مجالس ماتم منعقد میگردد . در حسینیہ گول
کوٹی شب عاشورا تمام شب احیا و سینه زنی و مردم
ہمزاداری مشغول ہوند

مجالس زنانہ ہم درخانہ مرحوم حاجی سید صادق
تاجر شوشتری و حسینیہ مرحوم نذر علیخان و خانہ
محمد صادق اصفہانی و در مسجد ایرانیان و خانہ
شاہزادہ میرزا بابر منعقد می شد در حسینیہ گول کوٹی
و در مسجد ایرانیان ہم روزہ اطعام مساکین می شد .
انتظام حسینیہ گول کوٹی امسال بر سذوات سابقہ
رجیح داشت

تاریخ عجم محرم علم (طہ) و ششم علم از خانہ
پرس غلام محمد (نالیکلیج) و ہفتم محرم علم میرزا
مہدی مشکی مرحوم بہ سر برستی جناب آقا سید
حسین صاحب تاجر شوشتری و ہشتم محرم علم کربلائی
محمد خان مرحوم بر حسب معمول سلوی با کتل و
وطوق و دستہ های متعددہ سبنہ زن در خیابانها با
ملزای احترام و انتظام گردش نمود
روز عاشورا علم مرحوم حاجی میرزا مہدی و

کربلائی محمد حار . معق بیرون آمدہ با مقام معینی کہ
باسم کربلا نامیدہ می شود رفتند ، دستہ های سینه زور
در جلو ہر کتلی سبنہ زبان مشغول ہمزاداری ہوند
تزیہ های اہل سنت و جماعت ہم مانند - طائر
سلف بکثرت ہود ، انتظام پلیس خوب و از حسن
توجہ جناب کشتہ ہادر و ادارہ نظمیہ کہ قابل ہر
گونہ تمجید اند ادای مراسم تزیہ داری با حسن
و سعہ اہتمام پذیرفت ، ما ارحاب ابرایان مقہمین کلکتہ
تشکر سہ ماہ از جناب کشتہ ہادر میمانیم

دیروز در حسینیہ بی بی انارو یک مجلس مفصلی
و از امروز عصر در خانہ جناب آقا میرزا خلیل
تاجر شہرازی مجالس روضہ منعقد خواہد گردید
اگرچہ از سوانق ایام مجالس روضہ خوانی از
رادران ملت و جماعت منعقد می شد ولی از دوسل
باین طرف چند مجالس خلیل با شکوہ و رونق انعقاد
میگردد

تلمکرافات و وتر راجع ایران

(اول محرم سنہ ۱۳۲۷ ہجری - ۲۴ جنوری)

لابتہ روسی از طرف وزارت خارحہ انگلستار
بدین عنوان اشاعت یافته است : دولتین روس و
انگلستان را بہ ہجوجہ من الوحوہ ارادہ ہیچگونہ
مداخلت در امور داخلہ ایران نمیباشد . عقیدہ آم
این است کہ براسیے انتظام ایران و رفع افتقشات
موجودہ یک سلطنت مشروطیت فعالی اشد ضرورت
است . از آن رامیکہ در حرابی ایران دولتین روس
و انگلستان را نیز خسارہ و قضا باید تواند شد لذا
در دولتین مذکورترین مراسلات روسی جاری است کہ در
قائم نمودن سلطنت مشروطہ فعالہ صلاح نیک و رأی

صواب باریار تقدیم نمایند *

در پترسبرگم از وزارت خارجه بینه این اعلان رسمی اشاعت یافته فقط لفظ مشروطه در آن ذکر نشده است

﴿ جبل اللین ﴾

چه قدر ایرانیان متمدن و متشکر دولتین روس و انگلیس خواهند بود که آنچه آنهام حاجت دارد يك دفعه بشاه نموده مشوره و صلاح خیر در افتتاح پارلمان باو داده اگر بشید پای خود را عقب بکشند و زیاده بر این در اغسال ملت ملك زده نکوتند و ملت و دولت را بحدود واگذارند که ملت کفایت مقاصد خود را در مقابل دولت میتواند نمود، و یقین بدانند که چون دولتین در امور داخله ایران تصرفی نه نمایند دول دیگر را آن قدرت باقی نخواهد ماند که بتواند مداخله در کارهای ایران نمایند مشروط بر اینکه افعال نمایندگان دولتین با اقوالشان مطابقت داشته باشد نه اینکه زبان بگویند مداخله نمیکیم و بسمل همه گونه تأیید بشاه نموده مزید احتلال را فراهم آرند. چنانچه حرکات روسیان درباری و نمایندگان روس در ایران دوین هفت ماه اخیر طشت از بام اوقتاده است، درین مقام يك نکته را باز تکرار می نمایم، که ایرانیان از افعالات دولتین آنچه باید فهمند فهمیده این است که برضد آنان علناً رجوع بدولت آلمان و اطریش و عثمانی نموده اند، هر قدر ایشان مداخلات سری بکوشند ملت ایران ابواب مداخلات عالی آنها را باز خواهند نمود ازین رو میتوان صرفه دولتین را در عدم مداخلات واقعی گفت تا راه مداخلاتی برای دیگران مهیا نگردد مجدداً میگوایم که اگر دولتین ترك مداخله نمایند ایرانیان در روزی چند دشمنان داخلی خود را بجای خویش میرسانند و بهتر از برادران عثمانی خود اداره مشروطیت خویش را قائم میدارند مواع ایران را طلبیان میدانند و در عدم مداخله قطعی دولتین آن مواع مراضع میگردد

(۲۶ جنوری)

خبیر روتر از طهران خبر میدهد که بر حسب خواهش سعادتمندانه شاه مصمم گردیده که يك نفر رئیس خزانه از خارجه طلب نموده که هم محاسبات را ترمیم

نماید و هم نگران مبادات ملکی باشد

﴿ جبل اللین ﴾

این است معنی پلتیک که کوسه وریش بین باشد و ادا مقصود معلوم نشود، ناظر خزینه هیچ مربوط بسمل مالیات نیست هر يك ازین دو فن جداگانه است علاوه بر این ثبت العرش هم آفتش اول ثبوت خزینه باید داد سپس ناظر خزانه معین کرد ولی مقصود اصلی همان نمودن مخارجه است که شاه اصلاح خواه است و شاید بامم ناظر خزانه خارجی اعتباری برای دست آوردن وجه بدست آید و حال آنکه مشکل است

(۲۹ جنوری)

خبیر روتر از طهران بر حسب رپورتیکه از مقصودین سفارت حاصل نموده می نویسد که حکام لارستان مجروح شده و دو پسر او در جنگ بقتل رسیده دولت ساسی است که از اصفهان قشون روانه نماید و دسته های مختلف با سه نوب کوهی فرستاده شده است

﴿ جبل اللین ﴾

حکومت لارستان مجروح نیست بقتل رسیده دو پسر نه، شش پسر او با برادرزاده ها وبستگان خاص چهارده نفر بقتل رسیده اند، فرستادن دولت قشون از اصفهان گویا مسخر باشد چه اصفهان از حیثه اختیار شاه بیرون است و امروزه قوای مشروطیین لارستان ما فوق آن است که دولت ما این حال فلاکت بتواند دفع از هجوم آنها بنماید، از ملاحظه واقعات لارستان که وقایع نگار اداره نوشته مطاب بخوبی ظاهر میگردد

(۴ فروری)

بوجب تلگرافی که از تبریز به پترسبرگ رسیده صد نفر از مشروطیین در جنگی که با صمد خان شده بقتل رسیده اند

﴿ جبل اللین ﴾

این تلگراف روتر و پترسبرگ است ما خود درین خصوص خبری نداریم اگر هم این خبر مقروفاً بصواب باشد باید دید که از آن طرف چه قدر بقتل رسیده است، چه تلگراف مفلویت صمد خان را ما در شماره گذشته نوشته ایم

ترجمه طمس لندن

۱ جنوری ۱۹۰۱

میرزا مهدبخان مشیرالملک که فعلاً وزیر ایران مقرر لندن میباشد بمسئله وزیر مقیم نائل آمده معزی الیه تعایات خود را در روسیه و انگلند تمام نموده و در مسک و کلادر (ارتیبل) نامزد شده بود، دولتین جنیدی قبل بمسئله سکرتی و قونسل سفارت نیز خدمت نموده و قبل از آنکه بدین عهد در لندن بید ریاست یکی از شعبات وزارت خارجه ایران را دارا بود

معارف پژوهان را مؤده

تازگی در مجله روزنامه بزبان فارسی بنام (اصلاح) مختصر و نافع اشاعت یافته بملاحظه چند عمره آن نائل آمده ایم بحسب مقتضای وقت خلیل مفید است روزنامه است آزاد درین چند شماره عمده بحمت خود را در تجارت قرارداده که الحقی برای تجار و محاربت ایران خلیل نافع و ضرورت است، عبارتش صاف و ساده و مطالبش عالی و طام فهم .

این روزنامه ریخته قلم جناب آقا محمد رسا بوشهری میباشد که سالهاست اداره معارف ملیه خاصه اداره حبل المذین سرآ و علناً خدمات بایان نموده ، توفیق خدمات ملی ایشان و تقسا و ترقی جریده اصلاح را خواستگاریم

ترجمه روزنامه اتفاق منطبعة یادگوه

اینکه مرا مجبور نوشتن این چند سطر میکند مکتوب ذیل است که از طرف طفل ده ساله به پدرش نوشته شده ، و دلت را آباب می کند شما را بخدا ملاحظه فرمائید که استبداد چها بسر ایرانیان آورده و چه خاك ها بسر سحارگان ریخته منذالك چنان بحواب خفا رفته اند آمار حس و بیداری در آنها نگذاشته است ، به محبت وطن می دانند و به خون اسلامیت در هروقتان جاری است و به مرتبه انحوت و اتفاق در حریت و وفاق را فهمیده اند، طار باشد مردی بی حسان لقب باشد بجهالتیکه میخواهند ملت بیدار شده را دواره بخواب جهالت برند، هیات هیات که آنها حو شان قابل و از عاقبت خویش حاصل اند

آیا ملای که زندهای آنها در استرداد حقوق قاصبه خو. شان مرده تا پای شهادت بایستند میشود که دوباره اغفال کرده خیر محال است که دوباره زیر رنجیر اساتوت و فقه آرزوی مستبدین را بر آورند، الحمد لله سر

مستبدین بسنگ خورده و آبروشان بجزك افتضاح ریخته افعال شلیعه آنها بر طلیان روشن شده و مدفع آنها حتی بجه های ده ساله حاضر میشوند

است صورت مکتوب

بدر مهرمان - اولاً سلامتی شما را با برادراد وطن اردرگاه احدیت مسالت میبایم، از آنزودیکه تشریف برده و بنده را بصومی مهریام سپردید آنی از بنده غفلت ندارد، حد و حد از ایسان راضی باشد اگر از اسحوالات وطن مقدس مان خواسته باشید الحاقه جناب ستار خار سردار ملت و سالار ملت بافر خان با تشبثات مافلاه و قدامت نیکو کارانه شهر را در کمال امن و امان نگاه داشته، و از ذاق درهایب و فور و اردای است مظنهات، خلیل تنزل کرده ناس مییے خوب و یاک در فروش است ، مردوی عین الدوله گاه گاهی دسته های استبداد وارد می شود، ولی ناک نداریم از فضل خداوندی اگر دشمن سدهزار هم باشد با رغایه بطرف مجاهدین است ، محبة آنکه گذشته از جوانان و مردها ، زنهای ما امروز مدافع قد مردانگی علم اده اند، حتی این سده محبة دعوا از مادرم اجازه حوست مادرم راضی نشده میگوید بدرت راضی نمیشاند، و جهاد هم بتو واجب بیست، خدمت سرکار ستارخان هم رفته اجازه جهاد خواستیم اگر چه خلیل مسرور شدند ولی ایشان هم اجازه ندادند، این است که این مریضه را بمصوور شما ندیم لرد و طاحزاه استقامت میبکم اجازه نامه جهاد را بجهت من برسید تا دیگر مادرم نتوند حرف بزید، اگر صغیر بودن سده را ملاحظه مینمائید به خاطر بیاورید از شهید مییے زبلا و جناب قاسم و برادرش حضرت عبدالله ، اگر محبة محبت پدر و وردیدی رحم میکنید وصف من مرا بانه منمروع مینویید این را هم بداید که جناب قاسم و عبدالله با صفر ن باحازه امام زمان که عموری محترم من بود و کمال محبت را هم بیست بایشان داشت رفته شهید شدند، در هر صورت امیدوارم که بنده را از قبض شهادت در راه استخلاص ما در وطن محروم فرمائید جاکر شما (محمد تقی)

واقعات اصفهان

سواران مختیاری که در طمان حزه کشیکخانه بودند با ضرب تمام از دروا ملک خودشان عودت کردند، در اصفهان غتشناس نزکی شده بسیاری از اهالی فرسول خانه روس ملتجی شده اند

§ حال حاضر اصفهان خلی و حلیم ، اغتشاش مدعنی حکمرماست ، عساکر دولتی تمام بازار ها را غارت نموده والی و مأمورین دولت تمام جوانان اصفهان را انگلیس بنامند شده اند ، اشراف بلد نیز در قوسالخانه روس هستند ، ایل مختیاری بجهت تأمین شهر در حرکت آمده نایبند های روس و انگلیس بالذات بتلگرافخانه رفته با سفارت های خودشان مشغول بخارند ، و متعاقب این واقعه سفرای دولتیین پیش شاه رفته در تلبیغات مؤثره میباشد اوضاع خلی مدعنی و وحلم است .

§ مثل اغتشاش سابق تبریز در اصفهان نیز مشاهده میشود ، بعد از توب بستن به مجلس ملی شاه اقبال الدوله مستبد کاشی را بحکومت اصفهان با دو هوج سرماز فرستاد ، قشون دولتی تک تک مشغول غارت اموال مردم بودند ، قریباً از ورود اقبال الدوله تاکنون بیشتر از بیست و پنج هزار لیره انگلیس اموال مردم را غارت برده اند ، اهالی هر چه بطهران شکایت کرده اسباب قویت قووز اقبال الدوله گردید ، این حال تحمل فرسا دوام داشت تا بحکم مجتهدین عجب اشراف علماء اصفهان تکالیف اهالی را حالی کرده از دادن مالیات استنکاف نمودند ، حکومت محلی زور آورد و مردم قونسالخانه انگلیس مدعی شده جواب رد شنیده بعضی بنامندة بقونسول خانه روس شده و جماعتی هم بمسجد جامع التبحا کرده بازار ها بسته شد ، نظر باین حرکت اهالی بموجب حکم شاه مسجد جامع اصفهان را بترب بسته و محاربه از طرفین شروع و چند نفر هم مقتول گردید بعد از ساعتی چند عساکر دولتی محاربه را ترک کرده بشارت بازار ها مشغول شدند ، که یکدفعه ضرقام السلطنه مختیاری وارد و با اهالی متفق همه بحکومت محلی آورده حاکم هم تلگ خود را معاینه دیده باتمام انباشت بقونسالخانه انگلیس بنامند شده ، از اینطرف هم عده مختیاری ها زیاد گردیده هجوم بصر آورده بیک قسمت از قشون هم مثل حاکم خود بنامندة به قونسول خانه انگلیس شدند ، اهالی با مختیاری ها عمارت حکومتی را تماماً خراب نموده ضرقام السلطنه که سر کرده هزار سوار است تا ورود جناب صمصام السلطنه وقتاً والی اصفهان مقرر شد گردید

§ بمجرد ورود صمصام السلطنه قشون دولتی اصفهان بکلی فرار کرده و شهر کس امنیت نمود ، در واقع

حرکات مختیاری ها شایان همه گونه تمجید است ، شاه حکومت صمصام السلطنه را امضا نداشته بدو نفر شراف بلد تکالیف حکومت نموده ایشان هم امتناع کرده اند ، مسلکی که تاکنون شاه ایران تعقیب کرده نتایج ولجیمه آن که مشکلات مدعنه ظهور خواهد نمود کم کم دارد بروز می نماید

§ اوضاع قلابیه اصفهان در نظر وزارت خارجه روس اهمیت فوق العاده پیدا کرده در این باب در همین نزدیکی با دولت انگلیس تعاطی افکار کرده قرار میبده داده خواهد شد

§ سواران مختیاری موجب شاه را رد کرده و برفتن تبریز اعتراض نموده بطرف اصفهان که محل سکونای آنهاست مراجعت نموده اند

§ مشروطین اصفهان حاکم را با عساکر سلطوی به بیرون شهر طرد نموده ، و قسم خورده اند که ابداً محمد علی میرزا را بسلطنت نخواهند شناخت ، انجمن ولایتی هم دایر نموده که مصالح شهر را رؤیت نماید و بسفرای خارجه هم اطلاع داده اند

§ ایل مختیاری بنامه دولت مستبد قیام نموده و اصفهان را ضبط و رئیس خودشان را حاکم شهر قرار داده اند ، اگر قانون اساسی اعاده نشود در تمام ایران بعلو طهران انقلاب بزرگی خواهد شد

§ اهالی اصفهان سخت قیام کرده حکومت بقونسولخانه انگلیس بنامند شده قونسولهای روس و انگلیس رسماً تقصیر را از حکومت دانسته تنبیه و تادیب او را بارد اموال غارت شده مردم که سرباز ها بدون جهت و بحکم حکومت کرده میخوانند

§ فرماقرما هم (مانند عین الدوله و فرماقرمان آذربایجان) حکومت اصفهان را قبول کرده و با اردوی بزرگی روانه اصفهان خواهد شد بدوا نایب الحکومه خود را خواهد فرستاد .

§ نایبند های روس و انگلیس صمصام السلطنه مختیاری را که از طرف ملت اصفهان را اداره می نماید توصیه نموده اند که حاکم معین شده طهران را قبول نموده در رد آن کار را مشکل سازد

﴿ جبل المتین ﴾

این نکته اگر مقرون بصواب باشد تکذیب مینماید